

درس ختم بخاری شریف

به انضمام
زندگی نامه امام بخاری رحمته

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:
«كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ، خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ،
سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»

اثر:

مفتی محمد تقی عثمانی حفظہ اللہ

ترجمہ:

ابوعبدالفتاح عبداللہ ریگی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

فهرست مطالب

شماره	موضوع	صفحه
۱	پیشگفتار مترجم	۵
۲	گزیده‌ای از زندگی شیخ الاسلام قاضی محمد تقی عثمانی	۷
۳	مختصری از زندگی امام المحدثین امام بخاری	۱۰
۴	نام و نسب	۱۰
۵	شکل و شمائل ظاهری امام بخاری	۱۱
۶	زمان تعلیم و قوت حافظه امام	۱۱
۷	زهد، تقوا و سیرت امام بخاری	۱۳
۸	اساتید و شیوخ امام بخاری	۱۳
۹	شاگردان امام بخاری	۱۴
۱۰	مناقب امام بخاری	۱۴
۱۱	سفرهای امام بخاری برای فراگیری علم حدیث	۱۵
۱۲	ابتلای امام	۱۶
۱۳	مذهب امام بخاری	۱۹
۱۴	سبب تألیف جامع صحیح	۲۰
۱۵	نظر اهل علم در مورد امام بخاری	۲۱
۱۶	تألیفات و تصنیفات امام بخاری	۲۲
۱۷	تعداد مرویات کتاب الجامع الصحیح	۲۳
۱۸	سند حدیث	۲۶
۱۹	سخنرانی توسط شیخ الاسلام مولانا محمد تقی عثمانی	۲۸
۲۰	جدائی و فراق مولانا سبحان محمود	۲۸
۲۱	بزرگترین فاجعه دین	۲۹
۲۲	روش تدریس کتب حدیث	۲۹
۲۳	خواندن سند حدیث قبل از قرائت متن حدیث	۳۰
۲۴	سند حدیث از خصوصیات امت محمدیه است	۳۱

۲۵	تورات و انجیل قابل اعتماد نمی‌باشند	۳۱
۲۶	احادیث قابل اعتماد هستند	۳۲
۲۷	زندگی‌نامهٔ راویان حدیث محفوظ است	۳۲
۲۸	زحمات علمای جرح و تعدیل	۳۳
۲۹	داستان یک محدث	۳۴
۳۰	فن اسماء الرجال	۳۵
۳۱	بدون ذکر سند، حدیث غیر قابل قبول می‌باشد	۳۵
۳۲	مقام و حیثیت سند بعد از منتشر شدن کتب حدیث	۳۵
۳۳	راویان حدیث، منارهٔ نور هستند	۳۶
۳۴	مثلی زیبا برای راویان حدیث	۳۷
۳۵	انسان در روز قیامت با چه کسانی همراه خواهد بود	۳۸
۳۶	مقام و منزلت صحیح بخاری	۳۸
۳۷	اهتمام ویژه به نوشتن احادیث	۳۹
۳۸	ظرافت در تراجم ابواب	۳۹
۳۹	علت آوردن کتاب التوحید در آخر	۳۹
۴۰	علت ختم نمودن کتاب التوحید در این باب	۴۱
۴۱	سر آوردن کتاب التوحید در آخر	۴۱
۴۲	خداوند چه احتیاجی به گذاشتن ترازو دارد؟	۴۱
۴۳	انصاف خداوندی	۴۲
۴۴	اعمال غیر مجسم چگونه وزن می‌شوند؟	۴۳
۴۵	خداوند بر وزن اعمال قدرت کافی دارد	۴۳
۴۶	عقل ما ناقص است	۴۴
۴۷	نعمت‌های جنت ماوراء عقلمند	۴۴
۴۸	تصور نمودن وزن اعمال	۴۵
۴۹	هر کلامی که از زبان خارج می‌گردد وزن کرده می‌شوند	۴۵
۵۰	اعمال شمرده نمی‌شوند	۴۶

۴۶	چگونه در اعمال خاصیت وزن کردن یافت می گردد	۵۱
۴۷	از ریاکاری وزن کم می شود	۵۲
۴۷	از اتباع سنت وزن زیاد می شود	۵۳
۴۸	صحیح بودن طریقه ضروریست	۵۴
۴۹	توضیح لفظ قسط	۵۵
۵۰	واقعه حجاج بن یوسف	۵۶
۵۱	علت آوردن روایت احمد بن اشکاب در پایان	۵۷
۵۲	سه صفت در دو کلمه	۵۸
۵۳	معنای سبحان الله العظیم	۵۹
۵۳	خشیت چیست؟	۶۰
۵۴	خواندن این کلمات در صبح و شام	۶۱
۵۵	خلاصه	۶۲

پیشگفتار مترجم

از آنجایی که همه ساله در بعضی از حوزه‌های علمیه اهل سنت، جشن ختم صحیح بخاری برگزار می‌شود و از دور و نزدیک مردم با اشتیاق کامل در این جشن شرکت می‌کنند، در این فکر افتادم که درس ختم بخاری را در رساله کوچکی که همه بتوانند از آن استفاده ببرند جمع‌آوری کنم.

لذا در سفر کوتاهی که به کراچی داشتم، شرفیابی ملاقات با شیخ الاسلام محمد تقی عثمانی حفظه الله حاصل شد. گرچه مولانا در همین وقت از سفر مبارک حج برمی‌گشتند و ملاقات ما خیلی محدود بود، اما اجازه گرفتم این رساله پُر فیض را ترجمه کنم.

قابل ذکر است که شیخ الاسلام مولانا محمد تقی عثمانی کتاب‌های زیادی را تألیف، ترجمه و تصنیف کرده‌اند، و شخصیتی شناخته شده‌اند.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به: تکلمة فتح الملهم اشاره کرد که بعد از تکمیل آن، علماء به ایشان لقب شیخ الاسلام دادند. همچنین شیخ عبدالفتاح ابو غده هنگامی که به استعداد خدادادی ایشان پی برد، این لقب را داد.

این رساله کوچک بحث کوتاهی را در باره آخرین حدیث بخاری دنبال می‌کند، لذا طوری ترجمه شده که ان شاء الله برای عموم مسلمین مثمر ثمر واقع گردد. در پایان از همکاری تمام دوستان در امر تصحیح، حروف چینی و چاپ تشکر و قدردانی می‌کنم. و به ویژه از برادر گرامی آقای مفتی عبدالقادر عارفی که در مورد زندگی نامه علامه محمد تقی عثمانی با بنده همکاری نمودند، سپاسگذارم. امیدوارم که دوستان و عزیزان این بنده عاصی را در دعاهای خیر فراموش نکنند و اگر چنانچه در موردی با اشتباه مواجه شدند، بر بنده منت گذاشته، خبر دهند تا در چاپ‌های آینده تصحیح گردد.

وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت وإليه أنیب.

ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی

زاهدان ۱۳۸۰ شمسی

گزیده‌ای از زندگی شیخ الاسلام قاضی محمد تقی عثمانی

نام: محمد تقی بن علامه مفتی محمد شفیع بن مولانا محمد یاسین بن خلیفه تحسین علی. در پنجم شوال سال ۱۳۶۲ هجری مطابق با سوم اکتبر سال ۱۹۴۳ میلادی در قریه دیوبند ایالت اتار پرادیش هندوستان به دنیا آمدند و در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۶۷ هـ ق برابر با ۱۹۴۸ م حضرت مولانا محمد شفیع رحمته به پاکستان هجرت نمود و در کراچی مدرسه‌ای را بنیانگذاری نمودند.

علامه محمد تقی عثمانی در آن مدرسه از سن پنج سالگی مشغول فراگیری علوم دینی شده و در سال ۱۳۷۹ هجری از دروس حوزوی فارغ التحصیل شدند. از آن سال به بعد به عنوان استاد دارالعلوم کراچی مشغول تدریس شده و بالآخره تدریس سنن ترمذی را بر عهده گرفتند و تا در گذشت استاد بزرگوارش علامه سبحان محمود رحمته به تدریس آن اشتغال داشتند.

در سال ۱۴۲۰ هجری پس از این که استاد صحیح بخاری دارالعلوم کراچی حضرت مولانا سبحان محمود زندگی را الوداع گفتند علامه محمد تقی عثمانی به عنوان استاد صحیح‌ترین کتاب حدیث، بعد از کتاب الله منتخب شدند. علامه محمد تقی عثمانی مدرک لیسانس اقتصاد و سیاست را در سال ۱۹۶۴ و مدرک لیسانس حقوق را در سال ۱۹۶۷ م، از دانشگاه کراچی و مدرک فوق لیسانس رشته ادبیات عرب را در سال ۱۹۷۰ م، از دانشگان پنجاب پاکستان - کسب کرد.

علامه محمد تقی عثمانی از اساتید بزرگ و برجسته‌ای کسب فیض نمودند از آن جمله افراد ذیل را می‌توان نام برد:

- ۱- علامه اکبر علی رحمته مترجم اظهارالحق متوفی ۱۳۹۷ هـ
- ۲- مفتی اعظم مولانا مفتی ولی حسن رحمته متوفی ۱۴۱۵ هـ
- ۳- مولانا مفتی رشید احمد حفظه الله.
- ۴- مولانا سلیم الله خان، رئیس حوزه علمیه فاروقیه کراچی.
- ۵- مولانا سبحان محمود رحمته شیخ الحدیث سابق دارالعلوم کراچی متوفی

۶- مولانا قاری رعایت الله رحمته متوفی ۱۴۲۰ هـ.

۷- علامه مفتی محمد شفیع عثمانی مفتی اعظم پاکستان و مؤلف تفسیر معارف القرآن.

علامه تقی عثمانی بر سه زبان معروف جهان عربی، اردو و انگلیسی تسلط کامل داشته و در هر سه زبان کتاب‌های مفیدی به رشته تحریر درآورده اند. بیشتر فعالیت‌های علامه عثمانی در رشته‌های حدیث، فقه و اقتصاد بوده و در مسائل بانکداری از متخصصین برجسته و حقوق‌دانان بزرگ جهان اسلام به شمار می‌روند.

در تأسیس بانک‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات بیشماری در جهان نقش بسزایی داشته اند و سعی کرده اند که آنها را بر اساس اصول اسلامی بنیانگذاری و طراحی نمایند.

علامه عثمانی پست‌های متعددی را بر عهده داشته اند و بسیاری از آنها را به علت کمبود وقت و مشاغل زیاد ترک کرده اند.

ایشان به اکثر کشورهای جهان مسافرت علمی داشته اند، قسمتی از سفرنامه آن بزرگوار در کتاب «جهان دیده» آمده است.

علامه عثمانی از چندین سال پیش عضویت دیوان عالی کشور پاکستان، به معاونت ریاست جامعه دارالعلوم کراچی، عضویت مجمع فقه اسلامی (جده) و بالأخره معاونت ریاست آن مجمع را بر عهده دارند.

علامه عثمانی در زمینه‌های متعدد دارای تألیفاتی بوده اند که از آن میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- تکلمه فتح الملهم شرح عربی صحیح مسلم در ۶ جلد.

۲- درس ترمذی.

۳- بحوث فی قضایا فقهیة معاصرة.

۴- فقهی مقالات ۳ جلد.

۵- جهان دیده.

۶- أحكام الذبائح.

٧- أحكام الودائع المصرفية.

٨- اصلاحي خطبات ١٠ جلد.

٩- اصلاحي مواعظ.

مختصری از زندگی امام المحدثین امام بخاری رحمته

نام و نسب:

نام ایشان ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه الجعفی البخاری بوده است^(۱). اجداد امام بخاری پیش از بردزبه به بعد مجوسی و ایرانی الاصل هستند، اما قبل از ابراهیم مشرف به اسلام شده اند.

پدر امام رحمته از محدثین زمان خود به شمار می آمد و دارای تصانیفی است. علامه ابن حبان در کتاب «الثقات» ایشان را شاگرد حماد بن زید و امام مالک رحمته قرار داده و او را از ثقات شمرده اند و نیز با عبدالله بن مبارک رحمته ملاقات کرده اند. پدر امام رحمته در هنگام وفات وصیت کرد که تمام اموال متروکه حلال و در آنها شائبه و شبهه هیچ نوع حرامی نیست. تمام آنها به طور میراث به امام بخاری رسید و امام از همان اموال پاک تربیت شد.

امام بخاری در ۱۳ شوال سال ۱۹۴ - ه ق، بعد از نماز جمعه در شهر بخارا چشم به جهان گشود و در سن ۶۲ سالگی در سال ۲۵۶ ه ق ۳۰ رمضان مبارک در شب عید فطر در هنگام عشاء برای همیشه به ملاقات معبود حقیقی شتافت و بعد از نماز ظهر روز عید فطر در قریه خرتنگ حدود ۶ مایلی سمرقند ایشان را به خاک سپردند. بعد از وفات امام بخاری تا مدت مدیدی از قبر امام بخاری بوی عطر استشمام می شد.

در شب وفات امام بخاری رحمته شیخ عبدالواحد طراولسی، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله را در خواب دید که همراه جمعی از صحابه ایستاده اند و گویا منتظر شخصیتی هستند. این محدث می گوید: من سلام گفته عرض کردم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله منتظر چه کسی هستید؟ فرمودند: انتظر محمد بن اسماعیل البخاری. بعد مشخص شد که امام بخاری در همان شب وفات کرده اند.

(۱) - هدی الساری مقدمه فتح الباری صفحه ۴۷۸.

شکل و شمائل ظاهری امام بخاری

امام بخاری رحمته قامت متوسط و جسم لاغری داشتند.

حافظ ابن حجر رحمته در کتاب «هدی الساری» مقدمه فتح الباری نوشته اند: امام بخاری در کودکی بر اثر بیماری بینایی خویش را از دست دادند. مادرشان برای بینایی ایشان به بارگاه خداوند متعال بسیار زاری و تضرع نمود. مادر امام رحمته بانوی عابده و زاهده‌ای بود، شبی ابراهیم خلیل الله علیه السلام را در خواب دید. ایشان فرمود: خدا دعاهاى تو را در حق فرزندت پذیرفته و بینایی او را مجدداً به وی بخشیده است. وقتی از خواب بیدار شد، چشمان امام بینا شده بود و بینایی امام آنقدر قوی بود که بسیاری از تصانیف خود را هنگام شب در پرتو نور ماه می‌نوشتند.

زمان تعلیم و قوت حافظه امام رحمته:

محمد بن حاتم ابوجعفر وراق یکی از شاگردان امام بخاری روزی از امام پرسید.

اوائل کار شما چگونه بود و چگونه به فراگیری علوم حدیث پرداختید؟ امام فرمود: در آغاز به من الهام شد که احادیث آن حضرت صلی الله علیه و آله را حفظ کنم و من در مکتب بودم.

ابوجعفر در ادامه پرسید: در آن هنگام چقدر سن داشتید؟ امام در جواب گفتند: ده سال یا کمتر از ده سال داشتم که حفظ حدیث را آغاز کردم^(۱).

حافظ ابن حجر در هدی الساری نوشته: در سفری که امام رحمته به بغداد داشتند، محدثین آن دیار با هم مشورت کردند که امام را بیازمایند؛ زیرا امام در حفظ حدیث در تمام سرزمین‌های اسلامی مشهور شده بود، به خصوص در بغداد که مرکز علوم حدیث در آن روز به شمار می‌رفت.

(۱) - هدی الساری، صفحه ۴۸۸ / ارشاد الساری، ۱ / ۳۱.

بالآخره ده نفر از علماء را تعیین کردند که هر نفر ده حدیث را با تغییر متن احادیث و تغییر سند بیان کنند که مجموعاً (۱۰۰) حدیث می‌شوند تا ببینند امام چه واکنشی نشان می‌دهند. بعد از این که امام رحمته وارد بغداد شدند و علماء به ملاقات ایشان رفتند، در آن هنگام به امام گفتند: ما احادیثی را قرائت می‌کنیم شما توجه بفرمایید که صحیح هستند یا خیر؟ اولین فرد (۱۰) حدیث را قرائت نمود. هر حدیثی که قرائت می‌شد، امام رحمته می‌گفتند: (لا أعرفه لا أعرفه) بالآخره هر نفر (۱۰) حدیث را بیان کرد و امام بعد از قرائت هر حدیث لفظ «لا أعرفه» را تکرار می‌کردند که یعنی من این حدیث را نمی‌شناسم. بعد از این که قرائت احادیث تمام شد، امام خواندن و تصحیح احادیث را شروع نمودند و متن و سند را اصلاح کردند و حدیث را به همان ترتیب که علماء خوانده بودند، قرائت نموده و اصلاح کردند. محدثین بغداد در مقابل امام رحمته تسلیم شدند و اذعان کردند که واقعاً آنچه که در رابطه با امام بخاری رحمته گفته شده، ناچیز است و امام بخاری بسی بالاتر از آن است.

حافظ ابن حجر رحمته می‌فرماید: تعجب در این نیست که امام متن و سند ۱۰۰ حدیث را اصلاح فرمود، بلکه تعجب در این است که این احادیث را به همان ترتیب که آن ده نفر خوانده بودند، از اول تا آخر خوانده و اصلاح کردند و این شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است.

زهد، تقوا و سیرت امام بخاری رحمته:

امام بخاری در ماه مبارک رمضان همه روزه یک مرتبه قرآن را ختم می‌فرمود و هر شب در نماز ۱۰ جزء از قرآن مجید را تلاوت می‌نمود. غیبت هیچ کسی را نمی‌کردند و می‌فرمود: امیدوارم که در باره غیبت، خداوند مرا محاسبه نکند. غذای خیلی ساده میل می‌فرمود، حتی گاهی در طول روز فقط با ۲ یا ۳ مغز بادام قناعت می‌کرد و به قول بعضی تا ۴۰ سال از شوربا استعمال نکردند، و بعضی می‌گویند: تا ۳۰ سال صائم‌الدهر بودند، یک بار بیمار شدند و ایشان را پیش

طیب بردند. طیب گفت: معلوم می‌شود که نان خشک خورده‌اند. امام فرمود: بله، حدود چهل سال شوربا نخورده‌ام، هر ماه پانصد درهم درآمد داشت که آن را صرف فقراء و طلاب حدیث می‌کرد^(۱).

اساتید و شیوخ امام بخاری رحمته:

امام بخاری از مراکز بزرگی همانند: حجاز، شام، مصر و بغداد و از محضر شیوخ و فقهای بلند پایه‌ای علم آموختند و تعداد اساتید امام بخاری را ۱۰۸۰ نفر بیان کرده‌اند که از آن جمله می‌توان افراد زیر را نام برد:

۱- اسحاق بن راهویه.

۲- علی بن مدینی.

۳- احمد بن حنبل.

۴- یحیی بن معین.

۵- عبدالله بن زبیر حمیدی.

۶- ابو عاصم.

۷- ابو عاصم شیبانی.

۸- عبدالله بن عیسی.

امام بخاری بعد از فراغت از علم به بخارا باز گشت. مردم بخارا حدود ۱۵ کیلومتر برای استقبال ایشان از شهر خارج شدند و اظهار سرور و خوشحالی می‌کردند و پول و سکه بر سر ایشان می‌ریختند.

شاگردان امام بخاری رحمته:

تعداد کثیری از بخاری رحمته علم آموختند. در طول زندگی امام بخاری، بیش از نود هزار نفر از بخاری رحمته بلاواسطه صحیح بخاری را شنیدند و آخرین راوی فربری است و از شاگردان مشهور ایشان می‌توان افراد زیر را نام برد:

۱- مسلم بن حجاج قشیری.

(۱) - هدی الساری، صفحه ۴۸۰.

۲- ترمذی.

۳- ابن خزیمه.

۴- ابوزرعه.

۵- احمد بن سلمه.

۶- احمد بن سلمه نیشابوری.

مجموعاً صد هزار نفر از امام بخاری روایت کرده اند^(۱).

مناقب امام بخاری رحمته:

امام بخاری در حفظ و فهم معانی، تیزفهمی، کثرت فقاہت، دقت معانی، زهد و تقوی، علت و طرق احادیث، قوت حافظه، ملکه اجتهاد، استنباط مسایل و به طور کلی در تمام جوانب مربوط به حدیث بی نظیر بودند و می توان ایشان را به (به جرأت) امام محدثین نامید.

بعد از ایشان افرادی که کتاب تألیف نموده اند از امام متابعت کرده اند و به قول علامه قسطلانی در صغر سنی، هفتاد هزار حدیث بر سر زبان او بود و خودشان فرموده اند: من یکصد هزار حدیث صحیح و دوصد هزار حدیث غیر صحیح از حفظ داشتم و می فرمود: من کتاب صحیح بخاری را از میان ششصد هزار حدیث انتخاب کرده‌ام.

سفرهای امام بخاری برای فراگیری علم حدیث:

امام بخاری رحمته برای فراگرفتن علم حدیث، سفرهای متعددی را انجام دادند. اولین سفر امام رحمته به سوی مکه مکرمه بود، که همراه مادر و برادر خودشان «احمد بن اسماعیل» در سن شانزده سالگی به مکه مکرمه سفر کردند تا در مراسم حج شرکت کنند و پس از ادای مراسم حج، مادر و برادر امام رحمته به شهر و دیار خود برگشتند و خود امام رحمته در مکه مکرمه اقامت کردند. در این زمان محدثین مشهوری که در مکه مکرمه، خدمت علم حدیث بودند عبارت بودند از:

(۱) - مرقات، جلد اول، صفحه: ۱۷.

- ۱- ابو عبدالله عبدالله بن زبیر.
- ۲- عبدالله بن یزید.
- ۳- ابوالولید احمد بن محمد ارزقی.
- ۴- حسان بن حسان بصری.
- ۵- خالد بن یحیی.
- ۶- ابو عبدالرحمن مقری.

امام رحمته از این محدثین حدیث را فرا گرفتند. بعد از مکه مکرمه به سوی مدینه حرکت کردند و از اساتید و محدثین شهر مدینه کسب فیض نمودند و در همین وقت اقدام به تألیف کتاب «فضائل الصحابة والتابعین» و «تاریخ کبیر» نمودند و برای تحریر این کتاب از پرتو و روشنایی نور ماه استفاده می کردند.

امام رحمته بعد از مدینه، راه بصره را در پیش گرفتند. خیر استعداد و صلاحیت و قوت حافظه و حفظ حدیث امام رحمته در دنیا مشهور شده بود. به هر حال، امام رحمته به بصره آمدند؛ همه بزرگان و محدثین جمع شدند تا ایشان را ملاقات کنند و از محضر مبارکشان مستفید گردند. امام با وجود این که خیلی جوان بودند، همه تعجب می کردند که با این جوانی چقدر خدا به ایشان توانایی و حافظه داده است. ناگفته نماند که بصره شهری بود که بقایای علم صحابه و تابعین در آنجا قرار داشت و یکی از مراکز بزرگ علمی به شمار می رفت. امام رحمته چهار مرتبه به بصره سفر کرده اند.

امام رحمته بعد از بصره راه کوفه را در پیش گرفتند و وارد کوفه شدند و بارها به بصره و کوفه و بغداد سفر کردند تا از محضر اساتید کسب فیض کنند. مشهور است که امام می فرمودند: «لا أحصى - کم دخلت إلى الكوفة وبغداد مع المحدثین»^(۱).

امام رحمته از کوفه به دارالسلطنه بغداد وارد شدند. بغداد مرکز حکومت خلفای عباسی و مهد علم بود، در این زمان شهر بغداد به شخصیت‌هایی همانند: امام

(۱) - سیر أعلام النبلاء، جلد ۱۲ صفحه: ۴۰۷.

احمد بن حنبل، شریح بن نعمان، محمد بن عیسی و محمد بن سابق به خودش می‌بالید؛ امام از این بزرگواران کسب فیض فرمودند.

صاحب «التقیید» می‌نویسد: وقتی که امام می‌خواستند از بغداد بروند، برای خداحافظی خدمت استاد خودشان امام احمد بن حنبل رفتند، امام احمد بن حنبل رحمته خیلی ناراحت شدند و اظهار تأسف کردند که بخاری از ما جدا می‌شود و ما را ترک می‌کند.

امام بعد از سفر به سرزمین عراق به سرزمین شام که یکی دیگر از مراکز علم حدیث بود رهسپار شدند و بعد از شام، روانه دیار مصر و بعد از مصر عازم الجزائر شدند.

ایشان همچنین به «مرو» ترکمنستان سفر کردند و از آنجا به بلخ رفتند. امام به هرات نیز سفر کردند و از احمد بن ابی الولید که حنفی المسلمک بود، حدیث فرا گرفتند و بعد عازم نیشابور شده و از مشایخ آنجا کسب فیض کردند.

ابتلای امام رحمته:

امام بخاری وقتی به بخارا آمدند، مردم و حاکم بخارا (که در آن وقت خالد بن محمد ذهلی بود) استقبال امام آمده بودند. امام بعد از این که به شهر بخارا وارد شدند، در یک مسجد تدریس را شروع کردند و تا مدت زیادی در شهر بخارا مشغول درس حدیث بودند، چند نفر از حاسدین بدسرشت؛ از حاکم بخارا خالد بن احمد ذهلی که نائب الخلیفه عباسی بود، خواستند که از امام بخاری بخواهد که در کاخ بیاید و به فرزندان ایشان صحیح بخاری و تاریخ کبیر را درس بدهند. لذا حاکم بخارا از ایشان تقاضا کرد که چنین کنند.

امام بخاری فرمودند: شایسته نیست که من احادیث را در خانه شما تدریس کنم. شما فرزندان خود را به مسجد بفرستید و چنین استدلال کردند که اگر به نظر امیر این امر ضرورت دارد ایشان نزد من بیایند. چون که علم نزد کسی نمی‌رود و باید به دنبال علم رفت.

حاکم این را پذیرفت، اما مشروط به این که امام به فرزندان او در تنهایی و در وقت خصوصی درس بدهند. امام رحمته این را نپذیرفت و حاکم از ایشان ناراضی شد و به آخوندهای درباری دستور داد تا علیه امام تبلیغ سوء و توطئه کنند^(۱). چنانچه بر علیه امام رحمته شروع به شایعه پراکنی نمودند و اتهاماتی به امام وارد کردند که یکی از آنها این بود که مثلاً امام رحمته فتوا داده است از نوشیدن شیر حیوانات، حرمت رضاعت ثابت می شود. سپس امیر بخارا با مشورت درباریانش دستور داد که امام رحمته بخاری باید از شهر بخارا بیرون شود. بالأخره زمین بخارا بر امام بخاری رحمته تنگ شد. مردم سمرقند از امام رحمته دعوت کردند که به سمرقند هجرت کنند.

هنگامی که امام رحمته از بخارا خارج شدند اینگونه دعا کرد که:

«اللهم ما قصدوني به في أنفسهم وأولادهم وأهاليهم».

«خدایا آنچه که اینها به من قصد کرده اند در نفس های خودشان و فرزندان و اهل شان نشان بده» (یعنی مرا بیرون کردند تو اینها را بیرون کن). چنانچه دیری نگذشت که مردم بخارا علیه حاکم شورش کردند و از طرف دولت ظاهریه او را از مسند قدرت عزل کردند و بر الاغ سوار کردند، در تمام بخارا او را گردانیدند و عزت و آبرو و حیثیتی برای او نگذاشتند^(۲). و آن دسته از مشاورینی نیز که با وی موافقت کرده بودند هر یک به بلائی گرفتار شدند که مایه عبرت خلایق گشتند^(۳).

زمانی که امام رحمته از بخارا خارج شدند، ماه مبارک رمضان بود. ایشان وقتی به روستای خرتنگ رسیدند در آنجا باخبر شدند که در سمرقند اختلاف واقع شده است. بعضی گفته اند که امام رحمته اینجا نیاید و مخالفت کرده اند. امام در همین قریه توقف کردند تا مردم اتفاق رأی کنند و در میان مسلمانان اختلاف

(۱) - هدی الساری، صفحه ۴۹۴.

(۲) - هدی الساری، صفحه ۴۹۴.

(۳) - مقدمه تیسیر القاری.

نشود تا مدتی منتظر ماندند، در یکی از شب‌ها ناراحت شدند و از قادر مطلق خواستند که:

«اللهم إنه قد ضاقت على الأرض بما رحبت فاقبضني إليك غير مفتون»^(۱).

«بار الها! زمین بر من تنگ شده است و جایی در زمین برای من نمانده است، مرا پیش خود فرا بخوان»^(۲).

همین که امام رحمته از دعا فارغ شدند قاصد سمرقند رسید و گفت: تمام اهل شهر اتفاق کرده اند که شما تشریف بیاورید. امام قصد سفر به سمرقند کردند یک پا را بر رکاب گذاشته بودند و پای دوم را می‌خواستند بگذارند که حالت غشی به وی دست داد، ایشان را بر زمین گذاشتند. دیدند که پیشانی‌شان عرق کرده و تمام بدن‌شان تر شده است و پس از چند لحظه متوجه شدند که این آفتاب علم، برای همیشه از آسمان دانش غروب کرد، إنا لله وإنا إليه راجعون. مردم برای ادای نماز عید رفته بودند، وقتی برگشتند هنگام ظهر نماز جنازه امام را خواندند و ایشان را در قریه خرتنگ به خاک سپردند^(۳).

مذهب امام بخاری رحمته:

علامه تاج الدین سبکی و ابو عاصم عبادی معتقدند که امام بخاری رحمته شافعی مذهب بوده اند. چنانچه علامه سبکی ایشان را در ردیف فقهای شافعیه ذکر

(۱) - در این ماجرا امام بخاری دعای موت خواستند در حالی که در حدیث برای تقاضای موت نهی آمده، قال رسول الله: «لا يتمنين أحدكم الموت» پس چرا امام بخاری تمنای موت کردند؟

جواب: این است که ابن حجر می‌فرماید: به خاطر مصائب و مشکلات دنیوی، دعاوی موت درست نیست، اما به سبب مصائب اخروی مانند منع از روایت حدیث و... درست است و در اینجا همین مورد بود و چون امکان ضعف ایمان بود، لذا به همین خاطر فرمودند: غیر مفتون.

(۲) - هدی الساری، صفحه: ۴۹۴.

(۳) - هدی الساری، صفحه: ۴۹۴.

کرده اند، اما علامه ابوالحسن ندوی فرموده اند که ایشان حنبلی مذهب بودند و بعضی از علمای حنفیه نیز ادعا کرده اند که امام بخاری رحمته الله حنفی مذهب بوده اند (دلایل این که از چه مذهبی زیاد مستفید گشته اند از اساتید برجسته امام بخاری می توان علامه کرایسی، ابو ثور، زعفرانی و علامه حمیدی را در فقه و حدیث نام برد). لذا آنانی که این اساتید را دیده اند، گفته اند: امام بخاری رحمته الله شافعی مذهب هستند و دلیل این که بسیاری دیگر معتقدند که ایشان حنبلی مذهبند، ایشان همیشه خدمت احمد بن حنبل حاضر می شدند و از ایشان کسب فیض می کردند.

علامه ابن قیم در اعلام الموقعین نوشته اند که امام بخاری، مسلم، ابوداود و دیگر بزرگان از اصحاب احمد بن حنبل بیشتر او را اتباع کرده اند. لذا ایشان می فرمایند که این بزرگان حنبلی هستند، همچنین دلیل بعضی دیگر که می فرمایند: امام بخاری رحمته الله حنفی می باشند این است که «الجامع الصحیح» را با مشورت اسحق بن راهویه تألیف کرده اند و اسحق بن راهویه حنفی المسلک اند. بعضی ایشان را مجتهد منتسب الی الشافعی قرار داده اند^(۱). بعضی می گویند: ایشان نه مجتهد بودند نه مقلد، بلکه اهل حدیث می باشند. اما حق آن است که امام بخاری مجتهد مطلق اند و بزرگترین شاهد این ادعا (کتاب بخاری) است. علامه ابن تیمه ایشان را جزء مجتهدین مطلق قرار داده اند^(۲). علامه نفیس الدین سلیمان ابراهیم نیز ایشان را مجتهد مطلق قرار داده اند.

سبب تألیف جامع صحیح:

۱- می گویند: امیر المؤمنین فی الحدیث اسحاق بن راهویه؛ استاد بزرگ امام بخاری رحمته الله آرزو داشتند که ای کاش شخصی مجموعه ای از احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مختصراً آماده می کرد. امام بخاری رحمته الله نیز در همان مجلس حضور داشتند، لذا خداوند این توفیق را به امام رحمته الله عطا کرد.

(۱) - الإنصاف فی أسباب الاختلاف لإمام ولی الله الدهلوی.

(۲) - لامع الدراری.

۲- امام بخاری در خواب دیدند که در مقابل پیغمبر اسلام ﷺ ایستاده و برای ایشان باد می‌زند و مگس‌ها را می‌رانند. خواب‌گذاران تعبیر کردند که امام رحمته از کلام رسول اکرم ﷺ دروغ و افتراء را دور می‌کنند.

صحیح بخاری طبق اصول عام تألیف نشده، بلکه یک مرتبه در مسجد الحرام تراجم او را آماده ساخت و در نوبت دوم در کنار روضه اطهر، آنها را از همدیگر جدا ساختند و با استخاره و غسل و وضوء و ادای دو رکعت نماز وقتاً فوقتاً در مدت ۱۶ سال روایات و آثار را نوشتند.

محمد بن احمد مروزی می‌فرماید که من در میان حجرالاسود و مقام ابراهیم خوابیده بودم که در خواب دیدم پیغمبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «یا ابا زید، ایلی متی تدرس کتاب الشافعی ولا تدرس کتابی» من عرض کردم یا رسول الله ﷺ کتاب شما چیست؟ فرمودند: «جامع محمد بن اسماعیل بخاری».

علامه ابن کثیر می‌فرماید که: قرائت بخاری برای طلب باران خوب است و در هر منزلی تلاوت شود آن خانه از طاعون محفوظ می‌باشد.

نظر اهل علم در مورد امام بخاری رحمته:

۱- اسماعیل بن اویس بعد از بررسی احوال امام فرمودند: «هذا الحدیث انتخابها محمد بن اسماعیل من الأحادیث».

حدیثی را که امام تأیید می‌کردند در باره آنها می‌گفت، یعنی اینها را محمد بن اسماعیل از بین احادیث انتخاب کرده اند.

۲- حافظ رجاء بن رجاء می‌فرماید: «فضل محمد بن اسماعیل علی العلماء کفضل الرجال علی النساء» ترجمه: «برتری امام بخاری بر علماء مانند برتری مردان بر زنان است». در جای دیگر می‌فرمایند:

«هو آية من آيات الله تمشي على ظهر الأرض»^(۱).

(۱)- هدی الساری، صفحه: ۴۸۴.

«او آیتی از آیات الهی است که بر زمین راه می‌رود».

محمد ابن بشار از اساتید امام بخاری می‌فرماید:

«هذا أفقه خلق الله في زماننا»^(۱).

«ایشان فقیه‌ترین خلق خداوند در زمان ماست».

امام زهری به شخصی فرمودند: «لو أدركت مالکاً ونظرت إلى وجهه

ووجه محمد بن إسماعيل، لقلت كلاهما واحد في الحديث والفقه».

«یعنی اگر تو چهره عالمانه امام مالک رحمته و امام بخاری رحمته را می‌دید

درمی‌یافتی که در فقه و حدیث باهم برابر هستند»^(۲).

حافظ ابن حجر رحمته ثنا و تجلیل علما را در رابطه با امام بخاری نقل می‌کند و

در پایان می‌فرماید: «لو فتحت باب ثناء الأئمة عليه من تأخر عن عصره

لفنى القرطاس ونفدت الأنفاس فذاك بحر لا ساحل له».

«اگر تو بخواهی تعریف علمای بعد از امام [در باره او] را جمع کنی، کاغذها

تمام می‌شوند و نفوس خسته می‌شوند، چرا که این امام مانند دریایی است که

ساحلی ندارد» یعنی تعریف امام نهایی ندارد^(۳).

آری، بدین سبب کتاب بخاری «أصح الكتب بعد كتاب الله» قرار گرفت

و خود امام مفتخر به لقب امیرالمؤمنین فی الحدیث شدند.

امام احمد بن حنبل که می‌فرماید: «ما أخرجت خراسان مثل محمد بن

إسماعيل» «دیار خراسان همانند امام بخاری شخصیت دیگری پیدا نکرده است».

یکی از همدرسی‌های امام بخاری رحمته می‌گوید: امام بخاری به همراه ما به نزد

شیوخ بصره تشریف بردند. ما حدیث می‌نوشتیم، ولی امام بخاری رحمته نمی‌نوشت،

(۱) - سیر اعلام النبلاء، ترجمه ی امام بخاری.

(۲) - هدی الساری، صفحه: ۴۸۳.

(۳) - هدی الساری، صفحه: ۴۸۶.

ما اعتراض کردیم بعد از ۱۵ روز امام بخاری گفت: شما مرا خیلی مورد ایداء قرار دادید. لذا امروز از محفوظات من یادداشت‌های خود را تصحیح کنید.

رفیقش می‌گوید: ما تا آن وقت یک هزار و پانصد حدیث نوشته بودیم و امام بخاری رحمته همه را از حفظ خواندند. ما در حیرت فرو رفتیم و از روی حافظه او نوشته‌های خود را تصحیح می‌کردیم.

تالیفات و تصنیفات امام بخاری رحمته:

امام بخاری رحمته کتاب‌های متعددی را به رشته تحریر درآورده اند که از میان آنها می‌توان آثار ذیل را نام برد:

۱- جامع صحیح بخاری:

بزرگترین تألیف امام، کتاب بخاری است که بقیه کتب امام را از اذهان برده است، و مردم خیال می‌کنند که امام فقط کتاب صحیح بخاری را تألیف کرده اند. و اسم کامل آن الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه و آله و سننه و ایامه.

۲- المسند که بعضی آن را الجامع الصحیح المسند عنوان کرده اند.

۳- فضائل الصحابة و التابعین: این اولین تصنیف امام است که امام در سن ۱۸ سالگی آن را تصنیف کرده اند.

۴- تاریخ کبیر که امام آن را در مدینه تصنیف کرده اند.

۵- ادب المفرد.

۶- تاریخ صغیر.

۷- تفسیر کبیر.

۸- مسند کبیر.

۹- اسامی صحابه.

۱۰- المبسوط.

۱۱- جزء القراءة خلف الإمام.

۱۲- کتاب الضعفاء الصغیر.

۱۳- کتاب العلل.

و ...

تعداد مرویات کتاب الجامع الصحیح:

علامه ابن صلاح در مقدمه خود می‌فرماید: تعداد احادیث این کتاب با مکررات، هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج حدیث و بدون مکررات چهار هزار حدیث هستند. علامه نووی رحمته الله علیه نظر استاد خودشان علامه ابن صلاح رحمته الله علیه را تأیید می‌کنند و حافظ ابن کثیر در کتاب «اختصار علوم الحدیث» نظر علامه نووی رحمته الله علیه و علامه ابن صلاح رحمته الله علیه را اختیار کرده است.

البته برداشت علامه ابن حجر رحمته الله علیه و دیگر بزرگان این است که کل مرویات از این تعداد بیشترند و تعداد آنها را نه هزار و هشتاد و دو نوشته‌اند. بعضی می‌گویند: علامه ابن صلاح تعداد احادیث مسند را ذکر کرده‌اند و علامه ابن حجر رحمته الله علیه احادیثی را که سندشان ذکر شده و آنهایی که ذکر نشده را نیز حساب کرده‌اند و با حذف و بدون در نظر گرفتن معلقات و متابعات و با رعایت مکررات هفت هزار و سیصد و نود هفت حدیث می‌شوند.

تعداد معلقات که متون‌شان را نیز در کتاب بخاری ذکر کرده‌اند، هزار و سیصد و چهل و یک حدیث هستند و متابعات سیصد و چهل و چهار است که مجموع آنها با آنچه که ابن صلاح گفته است نه هزار و هشتاد و دو می‌شود.

حافظ ابن حجر رحمته الله علیه می‌فرماید: روایت مرفوعه بدون تکرار دو هزار و پانصد و سیزده هستند. با این حال علامه قسطلانی شاگرد ابن حجر رحمته الله علیه تعداد احادیث را بعد از حذف مکررات و تعلیقات دو هزار و ششصد و دو حدیث گفته‌اند. شاه انور شاه کشمیری رحمته الله علیه شمارش علامه قسطلانی را تأیید کرده‌اند.

با این حال علامه شبیر احمد عثمانی نظرشان این است که چون حافظ گفته من خودم شمرده‌ام که دو هزار و پانصد و سیزده حدیث بعد از حذف مکررات معلقات و متابعات باقی می‌ماند. لذا این نظر صحیح است، علامه عثمانی رحمته الله علیه نیز این نظر را تأیید می‌کند.

تمت بالخیر (خادم الطلاب).

(ابو عبدالفتاح عبدالله ریگی).

(زاهدان ۱۳۸۰).

درس ختم بخاری شریف:

قال رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ

خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ

ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ

سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس ختم صحیح بخاری سنه ۱۴۲۰ هجری (جامعه دارالعلوم کراچی).

یکی از طالبان علوم نبوت به نام محمد اظهر این عبارت را قرائت کرد:

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه الكريم وعلى آله
وأصحابه والأمة المحدثين. أما بعد باب قول الله تعالى: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ
الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (الأنبياء: ۴۷) وأن اعمال بني آدم وقولهم يوزن،
وقال مجاهد: القسطاس العدل بالرومية ويقال القسط مصدر المقسط وهو
العادل وأما القاسط فهو الجائر.

سند حدیث:

فضيلة الشيخ القاضي المفتي محمد تقى العثماني حفظكم الله وأكرمكم
في الدارين حدثكم والدكم فضيلة الشيخ فقيه الملة المفتي محمد شفيع
رحمة الله تعالى عليه عن فضيلة الشيخ الإمام أنور شاه الكشميري عن
شيخ الهند محمود الحسن رحمة الله تعالى.

وحدثكم فضيلة الشيخ المفتي رشيد أحمد حفظه الله تعالى عن الشيخ
حسين أحمد المدني عن شيخ الهند الشيخ محمود الحسن العثماني عن
الشيخين الجليلين الشيخ العلامة محمد قاسم النانوتوي والعلامة رشيد
أحمد الكنكوهي وهما يرويانه عن العارف بالله الشيخ عبد الغني المجددي
عن مولانا الإمام الحجة الشيخ محمد اسحق الدهلوي عن الشاه
عبدالعزیز الدهلوی عن العارف بالله الشيخ ولي الله أحمد بن عبدالرحيم
الدهلوی قال: أخبرنا الشيخ أبوطاهر محمد بن ابراهيم الكردي قال:

أخبرنى والدي الشيخ ابراهيم الكردي قال: قرأت على الشيخ أحمد القشاشي قال: أخبرنا الشيخ أحمد بن عبدالقدوس النشاي قال: أخبرنا الشيخ محمد بن احمد الرملي عن الشيخ زكريا بن محمد أبي يحيى الأنصاري قال: قرأت على الشيخ الحافظ الحجة أحمد بن علي بن حجر العسقلاني عن الشيخ إبراهيم بن أحمد التنوخي عن الشيخ أحمد بن أبي طالب عن الشيخ السراج الحسين بن المبارك عن الشيخ عبدالأول بن عيسى المهروي عن الشيخ عبدالرحمن بن مظفر الداودي عن شيخ عبدالله بن أحمد السرخي عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن يوسف الفربري عن الإمام الجليل الحافظ الحجة أميرالمؤمنين في الحديث أبي عبدالله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزبه الجعفي البخاري رحمهم الله تعالى وامتعنا بفيضهم. آمين.

قال: حدثنا احمد بن اشكاب قال: حدثنا محمد بن فضيل عن عمارة بن القعقاع عن أبي زرعة عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه وعنهم أجمعين قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم:

«كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».

**سخنرانی توسط شیخ الاسلام مولانا
محمد تقی عثمانی مدظلهم**

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ومولانا محمد
خاتم النبيين وعلى آله واصحابه أجمعين وعلى كل من تبعهم بإحسان إلى
يوم الدين. أما بعد!

علماء، طلاب و حضار عزیز و بزرگوار!

بزرگترین انعام و احسان خداوند آن است که امروز در دارالعلوم کراچی در
طول سال تحصیلی آخرین درس قرائت می گردد.

مطابق با روایات مدارس دینی ما، این آخرین درس صحیح بخاری و آخرین
باب از احادیث می باشد. امروز که این جلسه پر خیر و برکت برگزار می گردد،
یافتن الفاظی که بتوانیم به وسیله آن شکر خداوند را ادا کنیم مشکل است،
خداوندی که با فضل و کرم خویش این سال تحصیلی را به مرحله تکمیل رساند.

جدائی و فراق حضرت مولانا سبحان محمود رحمته:

و از سوی دیگر دل و دماغ متأثر از این است که این آخرین درس حدیث
بخاری شریف از سال ۱۳۹۶ هـ (مطابق ۱۹۷۶م) توسط پدر بزرگوارم، مفتی اعظم
پاکستان مولانا مفتی محمد شفیع (قدس الله سره) برگزار می شد و بعد از وفات
ایشان از سال ۱۳۹۶ هجری مخدوم بزرگ و استاد شیخ الحدیث مولانا سبحان
محمود صاحب (قدس الله سره) این مسوولیت را به نحو احسن انجام می دادند و تا
سال گذشته ۱۴۱۹ هـ (مطابق با ۱۹۹۸) ما و شما از درس ایشان استفاده می کردیم.
ایشان نیز امروز حضور ندارند و هم اکنون عدم وجود ایشان از عالم هستی بر
قلب و روح ما بسیار گران تمام می شود. امیدوارم خداوند عز و جل با فضل و کرم
خویش او را در رفیع ترین مقامها قرار دهد و فیوضات ایشان را همیشگی بگرداند
و خداوند به ما توفیق عمل و طاعت عنایت فرماید. (آمین).

بزرگترین فاجعه دین:

در دنیا تاکنون هیچ غم و اندوهی بزرگ‌تر و سخت‌تر از این غم و اندوه پیش نیامده که بعد از وفات حضرت رسول اکرم ﷺ برای صحابه (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) پیش آمد.

صحابه رضی الله تعالی عنهم حاضر بودند در مقابل یک نفس کشیدن حضرت رسول اکرم ﷺ هزاران جان را فدا کنند. لیکن این از قوانین لا یتغیر الله عز و جل است که هیچ کسی را مجال چون و چرا نیست و هر مؤمن چاره‌ای جز تسلیم و قانع‌بودن به قضاوت و تقدیر خداوندی ندارد.

غم و اندوه یک مورد فطری و طبیعی است، بلکه حق سبحانه و تعالی حکمت دانسته است و هیچ مسلمانی حق اعتراض بر این غم و ناراحتی که تقدیر و قضاوت خداوندی است را ندارد و باید در مقابل این قضاوت سر تسلیم پایین بیاورد و این است تفسیر: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾. امروز در این جلسه پر خیر و برکت علماء و اولیاء و صلحاء اجتماع فرموده اند. من از شما شخصاً تقاضا دارم که امروز در این جلسه برای مغفرت مولانا قدس سره و بلندی درجات و صبر جمیل برای بازماندگان و توفیق پیروی از علمای امت دعای ویژه بفرمایید.

روش تدریس کتب حدیث:

در مدارس دینی ما روش تعلیم و تدریس کتب حدیث به این نحو است که طلبه عبارت را قرائت می‌نماید و استاد پس از شنیدن، تصدیق و تأیید می‌نماید و بعد از شنیدن و تأییدنمودن معانی و مطالب، مفاهیم و همچنین مسایل مربوطه به حدیث را مفصلاً بیان می‌کند.

روشی که امروزه در مدارس دینی ما وجود دارد، غیر از مدارس پاکستان، هندوستان و بنگلادش^(۱) در هیچ جای دنیا یافت نمی‌شود. امید است خداوند این توفیقات را همیشه نصیب ما بگرداند و آن را قایم و دایم نگهدارد.

(۱) - هم اکنون در ایران، در حوزه‌های علمیه اهل سنت نیز این روش وجود دارد. (مترجم).

چهار کتاب مشهور حدیث (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن ابوداود) را طلاب از اول تا آخر کتاب در مقابل استاد نشسته می‌خوانند و این روش تعلیم و تدریس در هیچ جای دیگر از دنیا رایج نیست.

برعکس نصاب درسی حدیث را که امروزه در مدارس و دانشگاه‌ها رواج داده‌اند، فقط تعیین چند باب منتخب است که فقط و فقط به همان احادیث منتخب اکتفا می‌کنند و در مورد حفظ اسناد احادیث منتخب هیچ برنامه‌ای وجود ندارد؛ همچنین در مورد حفظ روایت هم هیچ جدیتی صورت نمی‌گیرد.

خواندن سند حدیث قبل از قرائت متن حدیث:

بنابراین که بزرگان مدارس ما این روش را از دارالعلوم دیوبند تجویز نموده‌اند که الحمدلله امروز ما توفیق عملی کردن آن را داریم، چنانچه این حدیث در آخرین باب از صحیح بخاری به رشته تحریر درآمده است. طلبه عزیز، مولوی محمد اظهر بن مولانا منظور احمد سلمه الله آن را در خدمت تان قرائت کرد.

قبل از بیان توضیحاتی در مورد حدیث مذکور در این باب به عنوان تشریح سخنانم باید عرض کنم چنان که دیدید این طلبه قبل از قرائت متن حدیث، لیستی طولانی از اسامی بزرگوار را پی در پی خواند. باید بگوییم این اسامی مکتوب نیستند، بلکه ایشان این اسناد معتبر را خواند و بعد حدیثی را که امام بخاری روایت کرده‌اند قرائت کرد.

روش قرائت احادیث در مدارس دینی ما بدین صورت است که هنگام درس قبل از خواندن عبارت حدیث، طلبه می‌گوید «بالسند المتصل منّا إلى الإمام البخاری رحمته (قال حدثنا)» و بعد به طور خلاصه و اختصار به «به قال حدثنا» اکتفاء می‌کند، اما هنگام رسیدن به آخرین حدیث طلبه مناسب می‌داند که به جای اختصار، از ما گرفته تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله همه واسطه‌ها را ذکر نماید تا بعد از بیان واسطه‌ها، اصل حدیث که از نخستین شخص بزرگوار به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است، قرائت گردد.

سند حدیث از خصوصیات امت محمدیه است:

ظاهراً این مسأله عادی به نظر می آید، اما اگر با چشم دل و بصیرت بنگریم حکمت و فلسفه‌ای بس بزرگ برای من و شما نمایان می گردد که قرائت سند احادیث مقام درسی را بالاتر می گرداند.

مطلب آغازین این است که سندی را هم اکنون این طلبه قرائت کردند، در این سلسله سند از استاد بزرگوار بنده گرفته تا جناب محمد مصطفی ﷺ و کلیه اسامی اصحاب و بزرگواران که ذکر شدند، گویای این حقیقت است که هریکی از احادیث معتبر به ما رسیده است و این سلسله اسامی با نام حضرت رسول اکرم ﷺ خاتمه می یابد. سپس به متن حدیث رسیدیم توسط این پاک طینتان است که ما امروزه علم حدیث را به راحتی قرائت می کنیم و این سعادت است بس عظیم آن هم فقط نصیب امت محمدیه ﷺ «علی صاحبها الصلاة والسلام» شده است، چرا که در هیچ جای دیگری از کره زمین چنین سعادت نصیب نشده است، و هیچ ملت و مذهبی نمی تواند ادعا کند و با اطمینان بگوید که سخنان مقتدا و پیامبر آنان با این چنین روشی یقینی به آنها رسیده است، این ادعا را نه ملت یهود در باره تورات و نه مسیحی‌ها و نصرانی‌ها در باره انجیل می توانند بکنند. هنگامی که مدعیان کتب آسمانی نمی توانند این ادعا را ثابت کنند، پس چگونه می توانند در باره سخنان و سنن پیامبران خودشان حرفی به میان آرند؟ زیرا دلایل و اسنادشان غیر معتبر می باشد.

تورات و انجیل قابل اعتماد نمی باشند:

امروزه اگر از بزرگترین علماء یهود پرسیم که این توراتی که شما آن را کتاب آسمانی خدا می دانید برای اثبات این چه دلیل و سندی دارید؟ و آیا دلیلی دارید که این همان تورات منزل بر موسی ﷺ از جانب خداوند است؟ آنها جواب قانع کننده ندارند.

حالت پیروان انجیل نیز به همین صورت است، آنها نیز عبارت انجیل که بر عیسی ﷺ نازل شده است را کاملاً تغییر داده اند، و کتابی که به نام انجیل

موجود است چیزهایی است در مورد احوال زندگی عیسی عَلَيْهِ السَّلَام که مسیحیان آن را جمع نموده و ادعا را می کنند که از منبع الهام جمع شده اند. اما امروزه آنها چه مدرکی دارند که در این نوشته ها هیچگونه تحریفی صورت نگرفته و همان مکتوبات قبلی باشند، به صراحت می گوئیم که هیچ مدرک و سندی برای صداقت کتب خویش ندارند.

احادیث قابل اعتماد هستند:

اما خداوند عزّ وجلّ این عزت و اعزاز را به امت محمدیه عطا فرموده است که تمامی اقوال و افعال و تقاریر نبی کریم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می توانیم با اطمینان قلب و صداقت به آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت دهیم و اگر اعتراض شود که شما از کجا این همه به احادیث منقوله از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یقین دارید؟ در جواب با جرأت و اطمینان کامل، تمام سند حدیث که جمعاً لیستی از صحابه کرام و راویان ثقه و معتمد می باشند را تقدیم می کنیم. چنانچه برای نقل یک حدیث اسناد بسیار معتبری را در دسترس داریم و به عنوان مثال سند آخرین حدیث را این طلبه خدمت شما قرائت نمود و شما هم دیدید.

زندگی نامه روایان حدیث محفوظ است:

مطلب این نیست که تمام سلسله نسب اساتید از ما گرفته تا ذات مبارک رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بدون تردید محفوظ است، بلکه شما برای نمونه بر روی نام یکی از این پاک طینتان انگشت بگذارید و پرسید که او چگونه انسانی است و در چه زمانی از مادر متولد شده و در محضر چه اساتیدی علم حاصل نموده و اخلاق و سیره ایشان چگونه بوده است؟ جواب کافی و مستدلّ موجود است و حتی کلیه زندگی نامه هریکی از ایشان (راویان) در کتب معتبر محفوظ می باشد.

هم اکنون کتاب صحیح بخاری که در مقابل حضرات گرامی گذاشته شده مشتمل ۱۱۲۸ صفحه است و همانطور که مشاهده می فرمایید در هر صفحه ای تقریباً ۱۰ تا ۱۱ حدیث شریف ذکر شده و برای نقل هر حدیث نام چندین تن از راویان معتبر بیان شده است، حال شما نام یکی از راویان را انتخاب نمایید. بعد به

یکی از علماء کرام بگویند که مثلاً احوال زندگی این راوی را بیان فرماید، و به استحضار می‌رسانم که احوال زندگی هر راوی از ولادت تا وفات وی در تمام کتاب رجال مدون و محفوظ است.

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا احوال زندگی آنها از ولادت تا وفات کاملاً به رشته تحریر درآمده است؟ جواب این است که چون آنها احادیث رسول الله ﷺ را روایت نموده اند، باید مشخص شود که آیا بر روایت حدیث وی می‌توان اعتماد کرد یا خیر. لذا علمای جرح و تعدیل تمام مشخصات یک راوی را بیان نموده اند تا با توجه و شناخت از شخصیت، امانت، صداقت و دیانت وی می‌توان به حدیثی که روایت نموده یقین نمود یا خیر.

زحمات علمای جرح و تعدیل:

حالات راویان حدیث فقط بنا بر سخنان شنیده شده نیست، بلکه برای تحقیق و بررسی احوال هر یکی از راویان، خداوند - جلّ شأنه - علمای بزرگی را برای شناخت جرح و تعدیل احادیث، آنچنان ذکاوتی عطا نموده که از جوانب زندگی راویان حدیث نیز اطلاع کافی دارند.

این مقوله مولانا انور شاه کشمیری رحمته را من از زبان مبارک پدر عزیزم مولانا مفتی محمد شفیع رحمته شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال به حافظ شمس الدین ذهبی رحمته چنان ذکاوت و استعدادی برای شناسایی رجال حدیث عنایت فرموده بود که اگر چنانچه تمام راویان حدیث را در یک میدان وسیعی جمع می‌کردند و بعد حافظ شمس الدین را بر بالای منبر می‌بردند ایشان می‌توانست با اشاره انگشت به طرف هر یکی از راویان، تمام احوال و مقام و رتبه ایشان را تک تک بیان فرمایند و خداوند - جلّ شأنه - به ائمه جرح و تعدیل مقام رفیعی را عنایت فرموده است.

امروزه بعضی‌ها بسیار مخفیانه می‌گویند که ما نیز اهل اجتهاد هستیم چون که ما هم در علم حدیث و قرآن همان مرتبه و مقام را داریم که خداوند به گذشتگان

عنایت فرموده است، این گروه مدعی این مقوله هستند که: «هم رجال ونحن

رجال» لیکن حقیقت این است که «نه هر که سر بتراشد قلندری داند».

حافظه، علم، تقوی، زحمات، شوق و عشق الهی را که خداوند به آن دسته از علماء ارزانی داشته، هیچ توجیه و اقراری به غیر از این نیست که خداوند آنها را برای اهداف خاصی به وجود آورده که آنها بتوانند سخنان رسول گرامی ﷺ را حفظ نمایند.

داستان یک محدث:

علامه خطیب بغدادی رحمته در کتاب «الکفایة» که یکی از کتب مشهور اصول حدیث است قول یکی از ائمه جرح و تعدیل را نقل فرموده که ما برای تحقیق احوال از روایان حدیث به منطقه و روستای وی می رفتیم. (رفتن به این نوع بود که هنگامی که مشخص می شد که فلان شخص در فلان شهر زندگی می کند و حدیث روایت می کند و آن شهر هزاران کیلومتر دور بود و در آن عصر هواپیمایی وجود نداشت که با سفر هوایی در طی ۲ الی ۳ ساعت به آن شهر برسند، بلکه در آن عصر مسافرت با اسب و شتر و یا با پای پیاده صورت می گرفت و این سفر تحقیقی به این علت بود تا مشخص گردد روایی که این حدیث یا فلان حدیث را روایت نموده چه مقام و منزلتی دارد؟).

لذا به محل سکونت وی می رفتیم و در باره احوال وی تحقیق و تفحص می نمودیم و حتماً از همسایگان و دوستان و نزدیکان وی در مورد احوالش سوال می کردیم که وی چگونه شخصیتی است و این که چگونه نماز و روزه را ادا می کند؟ و در معاملات چگونه است و یا از لحاظ اخلاقی در چه مرتبه ای قرار دارد - و کلیه مشخصات او را می گرفتیم و به حدی تحقیق و جستجو می کردیم که گاهی اوقات مردم می پرسیدند: آیا می خواهید در اینجا دخترتان را به نکاح کسی در آورید که این همه تحقیق و بررسی می کنید؟ ما در جواب می گفتیم: اصلاً چنین هدفی در کار نیست، هدف از جستجو این است که فلانی حدیثی را

از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت نموده اند و ما با این تحقیقات می خواهیم بدانیم که آیا می توان بر روایت ایشان اعتماد کرد یا خیر؟

فن أسماء الرجال:

به همین صورت علماء جرح و تعدیل حالات هر یکی از راویان را جداگانه تحقیق نموده و کتبی در فن شناخت اسماء الرجال جداگانه و مرتب گذاشته شده اند که یکی از آن کتب در این فن در ۳۰ جلد وجود دارد و همچنین در این کتب به ترتیب حروف الفبا از روی اسامی راویان - حالات آنها را درج نموده اند - برای اطمینان بیشتر می توانید کتاب بخاری شریف یا یکی از کتب صحاح سته یا هر کتاب حدیثی که باشد را در نظر بگیرید و بعد از آن بر حدیثی انگشت بگذارید و یکی از راویان آن حدیث را انتخاب کنید. کاملاً و بدون هیچ مشکلی می توانید تمام احوال زندگی آن راوی را به ترتیب حروف الفبا در کتب اسماء الرجال مورد بررسی قرار دهید.

بدون ذکر سند حدیث غیر قابل قبول می باشد:

تا زمانی که کتب حدیث (صحاح سته) و... هنوز منتشر نشده بودند، قانون این بود که اگر شخصی حدیثی را بیان می نمود باید سندش را نیز بیان نماید که فرضاً این حدیث را من از فلانی شنیده ام و فلانی از فلانی شنیده است، لذا باید قبل از قرائت حدیث اول سند را ارایه می داد و بعد حدیث را قرائت می نمود، با این حساب حدیث وی قابل قبول واقع می شد و اگر چنانچه شخصی بدون سند حدیثی را بیان می نمود، هیچکس حاضر به شنیدن سخنان وی نبود.

مقام و حیثیت سند بعد از منتشر شدن کتب حدیث:

خداوند به محدثین مقام و درجات عالی و رفیع نصیب فرماید. (آمین!) آنها کلیه احادیث را به صورت صحیفه ها در آورده اند. لذا با احاله به کتب حدیث که به درجه تواتر رسیده اند، نیازی به حفاظت و تحقیق بیشتر از سند نیست. چون که فرضاً از طریق تواتر به اثبات رسیده که این کتاب روایت امام

بخاری رحمته است. لذا بیان نمودن سند برای احادیث ضروری نیست، بلکه بعد از بیان کردن هر حدیث گفتن رواه البخاری کافی است.

لیکن با وجود این همه بزرگان ما روشی را ترتیب داده اند که هنگام قرائت هر حدیث سند طولانی بیان نمی‌شود، اما بنا بر روایت و اجازه حفاظت نمودن آن سند ضروری است. چون که اگر قبل از قرائت هر حدیثی سندی طولانی بیان شود، برای مردم دشوار می‌شود. لذا فقط گفتن راوی آن روایات بدون واسطه‌ها کافی است؛ زیرا اگر راوی بالفرض امام بخاری رحمته باشد، فقط رواه البخاری گفتن کافی است؛ چون سلسله اسامی از ما تا امام بخاری در تمام سندها در نزد ما محفوظ است که امروز این طلبه عزیز در حضور ما حدیث را قرائت نمود، لذا این تحقیق ظاهری سند بود.

راویان حدیث، مناره نور هستند:

این حدیث از اهمیت معنوی برخوردار است و آن این که بندگان نیکی را که خداوند متعال برای حفاظت سخنان رسول خویش ﷺ انتخاب فرموده، این از سعادت و خوش نصیبی آن بزرگواران است. و (این سعادت به زورباز و نیست - تا نبخشد خدای بخشنده). این سعادت را خداوند فقط به کسانی عنایت فرموده که آنها را برای این فن انتخاب فرمود؛ زیرا هر کسی را بهر کاری ساخته اند؛ و به هر کسی که خداوند بخواهد این سعادت را عطا می‌فرماید. لذا هر یکی از آنان تاج سر ما می‌باشند، و خداوند در ذات و شخصیت آنها برکاتی را نهفته است. و دعا می‌کنیم خداوند تلاش آنان و سعی و کوشش ما را مورد قبول درگاه خویش قرار دهد.

مثلی زیبا برای راویان حدیث:

شیخ بنده حضرت داکتر عبدالحی (قدس الله سره) در این باره مثالی زیبا بیان نموده اند و فرموده اند: شما در مسیر راه چوب برق را مشاهده می‌کنید که توسط آن به منازل ما برق می‌رسد. حال این لامپ که روشن می‌گردد نورش از کجاست؟ این نور از چندین تیر برق است که نهایتاً به لامپ می‌رسد و سلسله این

چندین چوب برق به موتورخانه برق وصل می گردند و منبع اصلی نور لامپها از موتور خانه است و برای روشن نمودن لامپها فشار دادن کلید کافی است که در این صورت جریان الکتریسته در لامپ توسط تیرهای برق از موتور خانه به سیمهای ارتباطی داخل می شود و نور تولید می کند. همچنین از ما گرفته تا ذات مبارک حضرت رسول اکرم ﷺ تمام سلسله اسامی سند به این ترتیب می باشد که واسطه ها همان تیرهای برق هستند که ما را به منبع اصلی یعنی به موتور خانه برق (رسول اکرم ﷺ) می رسانند. یعنی هنگامی که شما می گوئید (حدثنا فلان) گویا کلید برق را زدید و در نتیجه شما توسط این (سلسله الذهب) یعنی این زنجیر طلایی (واسطه های معزز) به راه راست در علوم نبوی ﷺ مستقیم به موتور خانه ذات مبارک حضرت رسول ﷺ متصل می گردید، لذا آن علم به ما نور می بخشد. بدین ترتیب هر شخصی که در سلسله الذهب داخل گردید رابطه خودش را با دیگر راویان برقرار نموده است، امیدوارم خداوند هرگاه باران رحمت خویش را بر بندگان نیکش (راویان حدیث) می باراند، بنده حقیر را که در این سلسله الذهب همراه شده ام قطره ای از آن باران رحمت نصیب گرداند.

همراه شدن در این سلسله الذهب نعمت و سعادت است بس عظیم. امروزه من و شما احساس این نعمت عظمی را نمی کنیم. لیکن وقتی چشمان ظاهر بسته گردند و در بارگاه خداوندی حاضر شویم آن وقت خواهیم دانست که وابستگی و تعلق به این سلسله الذهب چه فایده عظیمی را دربر دارد.

انسان در روز قیامت با چه کسانی همراه خواهد بود:

شیخ رحمة الله علیه سخنانی را که ایراد می فرمودند از این حدیث ثابت است و آن این که صحابی ای عرض کرد یا رسول الله ﷺ من هیچ عمل زیادی ذخیره ندارم لیکن من با خدا و رسولش محبت دارم؛ حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: سرانجام انسان با افرادی می باشد که با آنها محبت دارد و اگر چنانچه شما با خدا و رسولش محبت کنید، سرانجام شما نیز به همراه آنها خواهید بود، (انشاء الله).

صحابه رضی الله عنهم فرمودند: هیچ روزی ما تا این حد خوشحال نبودیم به قدری که امروز بعد از شنیدن این سخن خوشحال شدیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

به هر حال، هنگامی که با محبت نمودن و اظهار عقیده با سلسله الذهب با آنان پیوند برقرار نمودیم، مطابق این حدیث که این وعده را فرموده که: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» - ان شاء الله - خداوند لطف و کرمش را شامل افرادی کند که با سلسله الذهب پیمان می‌بندند. این بحث مختصر پیرامون سندی بود که این طلبه عزیز خدمت شما قرائت نمود.

مقام و منزلت صحیح بخاری

امام بخاری رحمته الله از گروه محدثینی هستند که تمام اُمت بالاجماع در باره کتاب ایشان می‌فرمایند که صحیح‌ترین کتاب بعد از کلام الله مجید، کتاب صحیح بخاری است و این اتفاق نظر را بی‌جهت نگفته‌اند، بلکه علمای جرح و تعدیل پس از تحقیق و جستجوی فراوان در باره هر یکی از احادیث و بعد از مراجعه زیاد به جرح و تعدیل به این نتیجه دست یافته‌اند که بدون شک کلیه مذاهب بر این نظر متفق‌اند که کتاب صحیح بخاری در مقام اصح الکتب بعد کتاب الله قرار گرفته است.

امام بخاری رحمته الله از این هفت هزار حدیث، احادیثی را برگزیده‌اند که همه آن احادیث منتخب‌اند که در صحیح بخاری به رشته تحریر درآمده‌اند.

اهتمام ویژه به نوشتن احادیث:

امام بزرگوار قبل از تحریر هر حدیثی غسل می‌فرمود، بعد از آن دو رکعت ادا کرده و استخاره می‌نمود. هدف از استخاره این بود که از خداوند طلب مشورت می‌نمود که: بار الها! من با زحمت و تلاش خویش و طبق معلومات خودم بی‌تردید تحقیق نموده‌ام. لذا حدیث را به گمان خودم صحیح دریافتم و آیا این حدیث را به رشته تحریر درآورم یا خیر؟ اگر چنانچه بعد از مشورت الهی

اطمینان خاطر حاصل می شد و خداوند انشراح صدر عنایت می فرمود، آن حدیث را در کتاب می نوشتند.

ظرافت در تراجم ابواب:

از یک طرف احتیاط و خداترسی وجود داشت و از طرفی دیگر کتاب را طوری ترتیب دادند که برای آن عناوینی را تعیین نمودند که به آنها «تراجم ابواب» گفته می شود و حیثیت علم جداگانه را دارند که در حدود یک هزار سال علماء تاکنون در اعماق دریای گوهر آگین آن غوطه می زنند و تاکنون هیچ کسی مدعی نیست که توانسته تمام مرواریدهای آن را کشف کند.

علت آوردن کتاب التوحید در آخر:

چنانچه این آخرین باب و حدیث کتاب صحیح بخاری است، در این جا نیز امام بخاری رحمته روش عجیبی را اختیار نموده اند و آن این که امام بخاری رحمته کتابشان را با کتاب التوحید به پایان رسانیده اند.

چنانچه کتاب را با باب (بدء الوحی) و با حدیث «**إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ**» آغاز نمودند، و بعد از آن کتاب الایمان و بعد کتاب العلم و بعد در تمام شئون زندگی هر چه حدیث هستند، ابوابشان را بیان فرموده اند و کتاب التوحید را در پایان ذکر نمودند. ظاهراً باید اینطور می بود که آنجا که کتاب الایمان را ذکر کردند همانجا نیز باید کتاب التوحید ذکر می شد؛ چرا که توحید بزرگترین و عالی ترین درجه ایمان و اساساً اولین شرط ایمان است، لذا توحید با ایمان کاملاً پیوسته و ارتباط خاصی دارد.

اما امام بخاری رحمته ابتدا کتاب الایمان و بعد ابواب مختلفه دیگر را و در پایان کتاب التوحید را آوردند. حال این سوال مطرح می شود که دلیل امام بخاری رحمته برای این کار چیست؟ شارحین احادیث با قیاس خود جواب این سوال را دریافته اند که هدف امام از این روش ها چه می باشد؟

أ- گروهی می گویند: این که ابتدا کتاب الایمان را آغاز نمود به این خاطر است که مسلماً اموری که ایمان را اقتضاء می نماید الزامی است. یعنی باید دانست

بعد از ذکر ایمان، امام رحمته مقتضیات ایمان را بیان کرده اند که ایمان به چه چیزی لازم است، و در کتاب التوحید مقتضای سلبی ایمان را بیان می نمایند. یعنی چه عقایدی اشتباه و خطا، و چه عقیده‌ای باطل و گمراه کننده است تا نظر گمراهان که عقائد باطله دارند ردّ و ابطال گردد.

ب- باز گروهی از علماء می فرمایند: هدف امام بخاری رحمته این است که اسلام فقط توحید است. لذا اسلام ناب از ایمان آغاز می گردد و با توحید اختتام می پذیرد.

ج- گروهی دیگر می فرمایند: این روش مصداق این حدیث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار می گیرد که می فرمایند: «من كان آخر كلامه لا إله إلا الله: دخل الجنة»^(۱) یعنی «هر کسی که آخرین کلام وی کلمه طیه (توحید) باشد، داخل بهشت می گردد». و از آنجایی که عبارت توحید کلمه طیه «لا إله إلا الله» می باشد. کتاب التوحید را از نظر ترتیبی در آخر ذکر فرمودند تا آخرین کلام، الفاظ «لا إله إلا الله» شوند، و مصداق حدیث شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گردد. به هر حال، رأی محدثین در این رابطه مختلف می باشد. قضاوت امر با خداوند کریم است که امام صاحب رحمته چه موردی را مدّ نظر خویش داشته اند.

علت ختم نمودن کتاب التوحید در این باب:

چرا قبل از اختتام کتاب با الفاظ توحید - آن را در اینجا به پایان رسانید که

باب قوله تعالى: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾.

در جواب باید گفت: این باب را بنا بر رهنمودهای خداوند متعال قائم نمود که ما ترازوی عدل را در روز قیامت قرار می دهیم، و هدف امام بخاری رحمته با

(۱) - ابوداود، کتاب الجنائز باب فی التلقین.

قائم نمودن این باب، رد بر عقیده معتزله است که می گویند که «وزن اعمال حقیقت ندارد».

سر آوردن کتاب التوحید در آخر:

مهمترین سری که در اختتام کتاب التوحید بر وزن اعمال بوده است این که خاتمه زندگی پرمشقت انسان بر روز اعمال است، لیکن این زندگی در ابتدا از نیت آغاز می گردد. بنابراین، امام بخاری رحمته الله کتابشان را با «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» آغاز نمودند، و بعد از آن انسان در طول زندگی خویش اعمال مختلفی انجام می دهد تا هنگامی که موت به سراغش می آید و بعد از مردن زندگی برزخ آغاز می گردد و بعد از عالم برزخ برای حساب و کتاب به محضر خداوند حاضر می شود و در آنجاست که اعمال وزن می شوند و بعد از وزن اعمال جزا و سزا به شکل جنت و جهنم آشکار می گردند.

لذا خداوند متعال قبل از جزا و سزا، اعمال را وزن می فرماید که نتیجه اش تعیین جزا و سزا می باشد. پس کاملاً هوید است که خاتمه زندگی پرمشقت انسان بر وزن اعمال گذاشته شده است و بنابر همین استنباط می باشد که امام بخاری رحمته الله اختتام کتابشان را با کتاب التوحید، باب (وزن اعمال) آغاز نمودند و بدین صورت باب را آغاز فرمودند که: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾.

خداوند چه احتیاجی به گذاشتن ترازو دارد؟

در اینجا این سوال در ذهن مطرح می شود که خداوند متعال چه احتیاجی به گذاشتن ترازو برای وزن اعمال دارد. چون که خداوند «عالم الغیب» و «علیم بذات الصدور» است و از عمل و نیت هر کسی باخبر است و او می داند هر شخصی چه عملی انجام داده و می دهد. و مقتضای شأن خداوند آن است که در مورد هیچ یک از داوری های او کسی حقّ چون و چرا ندارد، چرا که خداوند عادل مطلق هستند.

بدون تردید هر کسی که خداوند را قبول دارد، این را نیز حقیقتاً می‌پذیرد که از جانب خداوند هیچ نوع ظلمی صورت نمی‌گیرد و تمام امور وی بر عدالت استوار هستند، چرا که می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ (ق: ۲۹).

لذا خداوند متعال بدون گذاشتن ترازو و بدون وزن اعمال هم کاملاً می‌تواند بر بهشتی یا جهنمی بودن شخصی حکم فرماید و احدی حق ندارد که بر این حکم الهی اعتراضی کند، چون که نزد هیچ کسی چنان حجتی موجود نیست که توسط آن بتواند حکم و تقدیر الهی را رد کند؛ زیرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق و عادل مطلق است. لذا هیچ کسی را مجال چون و چرا نیست.

انصاف خداوندی:

اراده الهی از قائم نمودن ترازو برای وزن اعمال این است که به مخلوق این درس را بیاموزد که من هیچ وقت برای سزای کسی حکم نمی‌کنم تا وقتی که در جلو روی وی برای اعمالش دلیلی را فراهم نمایم؛ و در روز قیامت سزای هر انسانی تعیین شده و به وی گفته می‌شود:

﴿أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (اسراء: ۱۴) «در آن

روز بدو گفته می‌شود، کتاب (اعمال) خود را بخوان (سعادت‌ی یا شقاوت خویش را بدان) کافی است که خودت امروز حسابگر خویش‌ت باشی (چه مسائل روشن است و نیازی به شاهد و حسابرس دیگری نیست)».

بنابراین، برای هر شخصی اثبات می‌شود که وی مرتکب اشتباهات و گناهانی شده است و هدف از وزن اعمال بدین خاطر صورت می‌پذیرد که نه فقط عدل قائم شده، بلکه حکم عدل و انصاف باید در مقابل طرف، علناً انجام گیرد تا کاملاً مشخص گردد که انصاف رعایت شده و کسی مجال اعتراض نداشته باشد. به همین علت علماء می‌فرمایند: قاضی اجازه ندارد با علم خود حکم را صادر نماید تا وقتی که جلوی روی وی دلیلی نباشد.

اعمال غیر مجسم چگونه وزن می‌شود؟

قبلاً امام بخاری رحمته ذکر فرمودند که: «وان أعمال بني آدم وقولهم يوزن» یعنی تمام اقوال و اعمال بنی آدم وزن می شوند. این قول را امام بخاری رحمته بنا بر رد عقل پرستان ذکر فرمود، چرا که آنها معتقدند که اعمال جسم نیستند که بتوان آنها را وزن نمود؛ زیرا فقط اجسام وزن کرده می شوند و اعمال أعراض هستند و چگونه می توان آنها را با ترازو وزن کرد؟

بعضی فقط معتقدند که اعمال نامه ها وزن می شوند و امکان وزن نمودن اعمال نیست. گروهی دیگر معتقدند که نامه اعمال وزن نمی شوند، بلکه هر شخص عمل کننده وزن می شود و هر انسانی که عملش خوب باشند به همان مقدار وزنش زیاد می شود و هر انسانی که اعمالش خوب نباشد وزن او کم می شود.

خداوند بر وزن اعمال قدرت کافی دارد:

امام بخاری رحمته با این الفاظ اشاره می کند که استنباط تمام این نظریات اشتباه می باشند، چرا که نیازی نیست که نامه اعمال وزن شود و حتی نیازی به این نیست که انسان وزن شود. چون حقیقت آن است که همانطور که قرآن فرمود که (اعمال وزن می شوند) باید کاملاً معتقد بود که اعمال وزن می شوند. در اینجا واضح می گردد که سوال در مورد چگونگی وزن اعمال بی فائده و فضولی است، چرا که خداوند متعال قادر مطلق است؛ همانگونه که در اجسام صلاحیت وزن را گذاشته است، می تواند آن صلاحیت را در أعراض نیز بگذارد.

فلاسفه و دانشمندان این عصر معتقدند که گرمی و سردی را می توان وزن نمود و انعکاس صدا نیز قابل وزن است. و وقتی که فلاسفه قادر به وزن سردی و گرمی و صدا هستند پس ذاتی که قادر مطلق است اگر اراده وزن اعمال را داشته باشد هیچ جای تعجب و سوال نیست.

عقل ما ناقص است:

بنابراین، سوال که چگونه اعمال - که أعراض هستند - قابل وزنند فضولی و بی فایده به نظر می رسد، دیگر این که عقول محدود ما این مسأله را درک نمی کند که وزن اعمال به چه صورت و چگونه است؟

چرا که چیزی را که قادر مطلق در آن وقت انجام می‌دهد، ذات خودش بهتر می‌داند که کیفیت و تفصیلات آن چگونه است و نیازی به تحقیق برای تفصیل بیشتر آن نیست؛ چون ما در این دنیای فانی کوچک سرگردانیم و حقیقت یقینی عالم بالا را با این عقول ناقص نمی‌توانیم دریابیم، و فقط ایمان آوردن به همان الفاظ قرآن به هر طریقه‌ای که نازل شده لازم است، چرا که برگزیدن این روش به صلاح ماست^(۱).

نعمت‌های جنت ماوراء عقلمند:

به طور مثال در قرآن مجید آمده که در جنت میوه‌های از قبیل انار، خرما و ... وجود دارد حالا (والله اعلم) که چطور میوه‌هایی هستند. حقیقت این است که بدون شک نام آنها انار، خرما، و ... است، اما میوه‌های جنت از نظر طعم، هیچ شباهتی با میوه‌های دنیایی ندارند؛ چون که در باره نعمت‌های جنت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«لا عين رأّت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر».

نعمت‌هایی که در جنتند، نه چشمی آنها را تاکنون دیده و نه گوشی حقیقت آنها را شنیده و نه چیزی از واقعیات آنجا در قلب کسی خطور کرده است. لذا دخالت و بحث‌نمودن در این موارد اشتباه است و یا این که بیندیشیم که ترازوی وزن چگونه است؟ اندازه‌اش چه قدر است؟ چگونه اعمال را وزن می‌نمایند؟ چرا که همه این سوالات بی‌موردند و فقط خداوند دانا و عالم است که اعمال چگونه وزن می‌شوند و حتماً هم وزن می‌فرماید.

تصور نمودن وزن اعمال:

در اینجا هدف بیان نمودن وزن اعمال است، چنانچه اگر ما فقط همین یک گفته امام بخاری رحمته را که «وان أعمال بني آدم وقولهم يوزن» را بر سر

(۱) - علاوه بر این سوال نمودن زیاد در مورد علوم غیر محققه، انسان را به کبایر و شرک مبتلا می‌سازد. (مترجم)

صفحه خویش بنویسیم که اعمال و اقوال بنی آدم وزن می‌شوند، بدون تردید از این دنیا و از تمام کارهای گناه و از ارتکاب جرایم و بدی‌ها اجتناب می‌ورزیم. امروزه که در دنیا اینقدر جرایم رخ می‌دهد علتش این است چون ما در فکر وزن اعمال نیستیم و اعتقاد کامل نسبت به این حقیقت نداریم.

لذا امام بخاری رحمته ما را نصیحت فرمودند که در این فکر باشید که این اعمال وزن می‌شوند، به همین خاطر مواظب باشید هر عملی که قبلاً در این کتاب بیان شده یکی یکی وزن کرده می‌شوند.

هر کلامی که از زبان خارج می‌گردد وزن کرده می‌شود:

«وقولهم یوزن» نه تنها فقط اعمال وزن می‌شوند، بلکه هرچه از زبان تلفظ گردد نیز وزن می‌گردد. بنابر همین مناسبت در این باب ذکر این حدیث «كَلِمَاتٍ حَبِيبَاتٍ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَاتٍ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَاتٍ فِي الْمِيزَانِ» را آورده اند که این دو کلمه میزان را سنگین می‌کنند. لذا از این طریق مشخص می‌گردد که کلمات نیز وزن می‌شوند، و حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: گاهی اوقات انسان الفاظی را از زبانش خارج می‌سازد و هیچگونه پروایی نسبت به کلامش ندارد که چه چیزی گفته است.

بنابراین، به وسیله همان یک کلمه مستوجب جهنم می‌گردد. لیکن گاهی اوقات انسان از زبان خود حرف‌هایی را خارج می‌کند و هیچ پروایی نسبت به کلامش ندارد که چه چیزی گفته لیکن به خاطر همان یک کلمه خداوند او را مستحق جنت می‌گرداند^(۱).

لذا سعی ورزیم الفاظ خارج شده از زبان را کنترل نماییم، چرا که بسیار اهمیت دارد؛ به همین خاطر بزرگان می‌فرمایند که قبل از صحبت کردن حرف‌هایتان را وزن کنید. در این رابطه سخن معروفی به اردو وجود دارد که

(۱) - صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب حفظ اللسان.

می‌گوید: (پهلی بات کو تولو پهر بولو)^۱ هنگام صحبت کردن فکر کنید که آیا این حرف قابل گفتن است یا خیر؟ و این که آن حرف در آخرت وزن می‌شود یا نه؟ و آیا در آن موقع سرانجام و عاقبت من چگونه می‌شود؟

اعمال شمرده نمی‌شوند:

هدف از این جمله اشاره به این است که در روز قیامت اعمال وزن می‌شوند، ولی شمردنی نیستند و کیفیت اعمال معتبرند که چقدر در عملش خلوص داشته، ولی شکل و صورت ظاهری اعمال غیر معتبرند؛ چنانکه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^۲ «تا آزمایش بکند شما را در این که کدام یک از شما نیکوکارتر است».

در این آیه مبارکه لفظ «أَكْثَرَ عَمَلًا» را استعمال نفرمود. لذا اشاره‌ای است به این که هر عملی باشد بنگرید که آیا آن وزن کرده می‌شود یا خیر؟

چگونه در اعمال خاصیت وزن کردن یافت می‌گردد:

اکنون این سوال پیدا می‌شود که در اعمال چگونه خاصیت وزن پیدا می‌شود، امام بخاری رحمته با زبان حال می‌فرمایند: اگر می‌خواهید روش پیدانمودن وزن اعمال را دریابید، حدیث اول این کتاب مرا بخوانید که: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» یعنی دار و مدار تمام اعمال بر نیت استوار می‌باشد.

خلاصه بحث این که اگر عملی را خالص برای رضای خداوند نیت نمایید، به وسیله این نیت در عمل شما خاصیت وزن پیدا می‌شود و اگر به اختصار بگوییم باید عرض شود که از انجام دو کار خاصیت وزن اعمال پدید می‌آید:

۱- اخلاص.

۲- اتباع سنت.

۱- ضرب المثل مشهوری به همین مفهوم در زبان فارسی وجود دارد که: صدبار بیندیش یک بار بینداز.

این هردو شرط برای به وجود آمدن وزن در اعمال ضروری و لازمند، به طوری که با عدم یکی از این دو شرط اعمال قابل وزن نمی گردند، اگرچه آن عمل خالی از دو شرط به نظر بزرگ آید.

از ریاکاری وزن کم می شود:

اگر شخصی به ظاهر خیلی متواضع و با خشوع و خضوع نمازهای طولی را ادا نماید و قرائت را طول دهد، اما هدف وی غیر از نشان دادن خود نباشد، نماز این نمازگزار نزد خداوند متعال بی ارزش است و قابل وزن نیست. و حتی موجب ارتکاب کبایر می گردد، چنانچه حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «مَنْ صَلَّى يِرَائِي لَقَدْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ». «هر کسی که به خاطر ریا و برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، به تحقیق برای خدا شریک قایل شده است».

یا مثلاً هزاران نوع مال خرج می کند. لیکن هدفش رضای الله نیست، بلکه می خواهد مردم به او لقب «سخی» را بدهند. لذا این عمل به خاطر سوء نیتی که داشته، قابل وزن نمی گردد. لیکن اگر فقط یک ریالی را خاص برای رضای خدا خرج نماید، چون نیتش خوب و نیکو بوده، خداوند عزّ و جلّ برای همین یک ریال بنده اش را که طالب رضامندی او بوده دارای وزن عظیمی می گرداند.

از اتباع سنت وزن زیاد می شود:

مسأله مهمی که وزن اعمال را بیشتر می کند، اتباع سنت است. یعنی اگر مطابق روشی که رسول اکرم ﷺ فرموده اند، عمل کنیم اعمال قابل وزن می شوند و اگر غیر از آن طریق راه دیگری را انتخاب نمودیم اعمال قابل وزن نمی گردند. چنانچه هر چند اعمال بدعتی که انجام دهد اگر در آنها اخلاص هم باشد و خالص برای رضای خداوند متعال برپا گردد چون آن عمل مطابق گفته های گرانقدر رسول اکرم ﷺ نبوده، به آن عمل وزنی تعلق نمی گیرد و در باره چنین عملی قرآن مجید می فرماید:

﴿فَلَا تُقِيمُ هُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَزَنَا﴾ «پس برپا نمی‌داریم برای اینگونه

اعمال در روز قیامت هیچ وزنی را».

صحیح بودن طریقه ضروریست:

امروزه اگر چنانچه شخصی از طریق غلطی وارد عملی گردد هرگاه به وی گفته شود که برادر! این عمل شما صحیح نیست، فوری جواب می‌دهد: نیت ما صحیح است و در حدیث وارد است که «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». مردم بی‌علم فقط ظاهر حدیث را می‌بینند و حدیث را بی‌محل استعمال می‌نمایند. ما می‌گوییم که به خاطر بسپارید که تنها نیت کافی نیست. حقیقت این است که هر عملی که مطابق دستورات حضرت رسول اکرم ﷺ نباشد، بدعت است هر چقدر نیت شما خالص برای رضای رب العالمین هم باشد هیچگونه وزنی برای آن عمل در قیامت صورت نمی‌گیرد.

بالفرض این مثال همان شخصی است که نیت مسافرت به لاهور را می‌کند، اما به قطار یا ماشین مسیر کوئته سوار می‌شود. بله نیت او کاملاً صحیح، اما سواری را که اختیار کرده او را به کوئته می‌برد. لذا به برکت نیتش، این سواری او را به مقصدش (لاهور) نمی‌رساند. به همین صورت اگر شما نیت دخول به جنت را دارید، اما اشتهاً مسیر جهنم را اختیار می‌کنید. لذا به برکت این نیت هرگز به جنت داخل نمی‌گردید.

تبصره: لذا برای این که اعمال ما قابل وزن گردند به دو شرط اساسی ضرورت دارند: یکی اتباع سنت و دیگری اخلاص اند؛ با عدم یکی از این دو، قابلیت وزن عمل از بین می‌رود.

توضیح لفظ قسط:

بعد (در ادامه) امام بخاری رحمته می‌فرماید: «وقال مجاهد: القسطاس العدل

بالرومية». عادت امام بخاری رحمته این است که برای تصدیق و تثبیت تفهیم الفاظ، لفظی مناسب از قرآن را انتخاب نموده و لفظ مورد نظر را توضیح و تشریح

می‌دهد، چنانچه مطابق با لفظ قسط، لفظ مناسب در قرآن مجید: ﴿وَزُنُوءًا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ را انتخاب کرده و توضیحش را اینطور بیان نموده اند که: القسطاس العدل بالرومیه. یعنی: لفظ قسطاس به زبان رومی به معنی عدل است. «وَيُقَالُ الْقِسْطُ مَصْدَرُ الْمَقْسُطِ» و این هم گفته می‌شود که لفظ قسط مصدر مقسط است.

در اینجا این کلام بسیار تعجب‌انگیز است که لفظ قسط ثلاثی مجرد است و مقسط ثلاثی مزید است. لذا چطور لفظ مقسط مصدر قسط قرار می‌گیرد. امام بخاری رحمته اشاره می‌فرماید که این لفظ از اضداد است، یعنی دارای دو معنی است و هر دو معنا با یکدیگر متضادند که در یک معنا انصاف و در معنای دوم ظلم استعمال می‌گردد. لیکن هنگامی که این لفظ را از باب افعال فرض می‌نماییم در این صورت معنایش انصاف کننده است.

لیکن وقتی که در مجرد قَسَطَ يَقْسُطُ استعمال گردد، در این صورت معنایش ظلم کننده می‌شود. لذا این لفظ در میان دو معنی مشترک است. لیکن هنگام استعمال نمودن، اکثر در میان باب‌ها فرق ایجاد می‌گردد و گاهی اوقات برعکس استعمال می‌شود، این که در بابی دیگر از مجرد به معنی انصاف و از باب افعال به معنی ظلم استعمال می‌شود.

واقعه حجاج بن یوسف ثقفی:

حجاج بن یوسف ثقفی^۱ از امرای مشهور در تاریخ اسلامی است، علماء حفاظ و قراء زیادی را شهید ساخت. وی سعید بن جبیر رحمته را که در میان تابعین

۱- قابل یاد آوری است که اگر چه حجاج بن یوسف ثقفی یک امیر ظالم بود و برخی از علمای خوبی را به قتل رساند اما در مقابل خوبیهای هم دارد، از آنجمله: سرزمین های زیادی از جمله هند، سرزمین سند و قسمت‌های از افریقا و اندلس زیر سرپرستی و کوشش‌های مستقیم او فتح شده اند، این را از باب عدل و انصاف ذکر کردیم و الا ظلم ایشان معروف است. مصحح.

شخصیت بلندپایه‌ای است احضار نمود و گفت: رأی شما در باره من چیست؟ در این موقع شخصیتی ظالم مانند حجاج از انسانی متواضع همانند جبیر رضی الله عنه می‌پرسد که رأی شما در باره من چیست؟ اگر سعید بن جبیر رضی الله عنه حقیقت را بگوید چاره‌ای جز تن دادن به سر بریدن ندارد، و بی‌شک حکم حجاج قابل اجراست و اگر چنانچه سعید خلاف تصور ذهن خویش چیزی بگوید این عمل پسندیده نیست.

این بود که سعید بن جبیر رضی الله عنه علاوه از حق چیزی دیگر را نپسندید و آن را بر غیر حقیقت ترجیح داد و جواب داد که: أنت القاسط العادل، گرچه معنی (قاسط) ظلم کننده یا انصاف کننده استعمال می‌گردد، اما ذکر نمودن لفظ (العادل) بعد از لفظ (القاسط) معنایش را تعیین می‌کند که در اینجا مراد از قاسط (عادل) است، چنانچه مردم بعد از شنیدن حرف وی حیران و متعجب شدند که ایشان در حق حجاج جمله مدح و ستایش و تعریف به کار می‌برد، اما از آنجایی که حجاج ادیب بسیار ماهر در لغت عرب بود، وقتی دید که مردم این جواب را تعریف می‌پندارند، گفت: شما نمی‌دانید که او چه گفت، او گفت (تو ظالم و کافر) هستی، چرا که اگر قاسط مجرد ترجمه گردد، عموماً معنایش ظالم است و با لفظ عادل، به این آیه قرآنی اشاره نموده که ﴿ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

﴿۱﴾

الله در این آیه برای کفر و شرک لفظ عادل را آورده است، لذا نتیجه این می‌شود که این شخص مرا جمعاً ظالم و کافر گفت. در این موقع سعید بن جبیر رضی الله عنه از الفاظ فایده گرفتند. امام بخاری رضی الله عنه در ادامه می‌فرماید، اما القاسط فهو الجائر. یعنی عموماً از لفظ (قاسط) معنی ظالم گرفته می‌شود.

چنانچه خداوند در قرآن مجید فرموده است که: ﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا

لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ (جن: ۱۵). «و اما آنان که ستمگر و بیدادگر هستند هیزم

دوزخ هستند».

(۱) - سورة انعام، آیه ۱.

علت آوردن روایت احمد بن اشکاب در پایان:

بعد از آن امام بخاری رحمته در آخر حدیث بیان فرمودند که: حدثنا احمد بن اشکاب قال: حدثنا محمد بن فضیل عن عمارة بن القعقاع عن أبي زرعة عن أبي هريرة رضی الله عنه قال: قال النبي ﷺ: «كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». همین حدیث را امام صاحب رحمته دو جای دیگر در صحیح بخاری بیان فرموده اند، البته آنجا از اساتید دیگر روایت کرده اند:

۱- این حدیث را در (کتاب الدعوات) از سند استاد خود زهیر بن حرب ذکر نموده اند.

۲- در (کتاب الایمان) از سند استاد خود (قتیبۀ بن سعید) ذکر نموده اند.

۳- و در اینجا از سند استاد خود احمد بن اشکاب روایت کرده اند. شارح کتاب صحیح بخاری (حافظ ابن حجر) رحمته که نسبت به بقیه آشنایی بیشتری با مزاج و طبیعت امام بخاری رحمته دارد می فرماید: در حقیقت امام بخاری رحمته این حدیث را آخرین بار از روایت (احمد بن اشکاب) شنیده اند. حال آن که قبلاً دو بار همین حدیث را از اساتید دیگر شنیده اند.

در پایان، همان روایت را آوردند که در آخرین مرتبه از احمد بن اشکاب شنیده بودند. البته سه راوی بعد یعنی محمد بن فضیل، عمارة بن قعقاع و ابوزرعه، در چند سند این روایت موجود اند، و فقط حدیث از آنها مروی است که در اصطلاح محدثین، این حدیث غریب است.

سه صفت در دو کلمه:

ابوهریره رضی الله عنه می فرماید که رسول اکرم ﷺ فرموده اند: این دو کلمه نزد خدای رحمان محبوب هستند اگر چه بر زبان سبکنند، اما در میزان عمل خیلی سنگینند و

الفاظ آن دو کلمه بدین صورت می‌باشد: «سبحان الله وبحمده سبحان الله

العظیم» که در این حدیث صفات سه گانه این دو کلمه را بیان فرمودند که:

۱- این دو کلمه به نزد خدا محبوبند، به جای «حبیبان إلى الله» «حبیبان

إلى الرحمن» را استعمال نموده، لذا این اشاره به آن است که چون این دو کلمه در نزد خدای رحمان محبوبند، پس هر شخصی که قدر این کلمات را بداند و آنها را بخواند حتماً آن شخص مورد صفت رحمان که رحمت است قرار می‌گیرد، یعنی رحمت خداوند شاملش می‌گردد.

۲- تلفظ این کلمات بر زبان بسیار سبکند، انسان مسلمان هنگام تکرار آنها با هیچ نوع مشقت مواجه نمی‌شود. به آسانی حفظ می‌شوند و در مجالس راحت می‌توان آنها را یاد کرد.

۳- و فرمود: «ثقیلتان فی المیزان». یعنی در میزان عمل وزن‌شان خیلی

سنگین می‌شود. وزن میزان عمل را در اینجا نمی‌توان دید، بلکه با رفتن به آنجا و زنش مشخص و معلوم می‌گردد.

به همین خاطر نمی‌توان گفت که در ثقیلتان فی المیزان چه تعارضی وجود دارد و وزن آن کلمات چیست؟ خداوند بهتر می‌داند کلمات بدین قرارند «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم».

ذات خداوند و تمام صفات وی بدون عیب هستند، فقط با زبان گفتن که ذات خداوند بی عیب است یک حرفیست معمولی. اما بهتر آن است که بنده با فکر و فهم و تدبیر این کلمات را بر زبان جاری سازد و از اعماق قلب خود به پاکی خداوند یقین و اطمینان داشته باشد و هدفش از اقرار این اعتقاد این باشد که تمام صفات ذات او تبارک و تعالی نیز بی نقص و عیبند و همچنین هرگونه امر و حکم شریعت او نیز بی عیب هستند.

لذا هر کسی که بر بی عیب بودن او (تعالی) ایمان دارد، لازمه ایمان این است که تمام احکام شریعت را یکی پس از دیگری بی عیب بداند و به آنها ایمان داشته باشد و کاملاً عمل نماید و هر حکم الهی را بی عیب بداند و بر آن قانع و راضی

باشد. لذا در کلمات سبحان الله و بحمده، رضاء بالقضاء و همچنین پایبندی و عمل به شریعت و سنت نیز داخل هستند.

معنای سبحان الله العظیم:

این عبارت (سبحان الله العظیم) جمله دوم حدیث است که به این معنی است که تسبیح ذاتی را بیان می‌کنم که صاحب عظمت و بزرگی است. شیخ بنده داکتر عبدالحی صاحب رحمته می‌فرمود: در قسمت اول این جمله که الفاظ سبحان الله و بحمده آمده اشاره دارد به طرف صفت جمال خداوندی؛ چرا که ذات او (تعالی) بی‌عیب است و جامع تمام محامد است. لذا ذاتی، صلاحیت تعریف را دارد که حقیقتاً در وی جمال وجود داشته باشد. لذا این جمله اشاره دارد به جمال خداوند و جمله دوم بیانگر عظمت و جلال خداوندی است؛ لذا اگرچه در جمله اول بیانگر جمال باری تعالی است جمله دوم بیانگر جلال و عظمت باری تعالی است، هنگامی که تصور جمال الله را بکنید بی‌شک محبت او در دل پدید می‌آید، چرا که خاصیت جمال در این است که محبوب قرار گیرد و دل به طرف وی میل و رغبت داشته باشد. لذا محبت ریشه می‌زند و جلال نیز مستلزم این است که سرانجام خوف وی در دل می‌آید و چون هم خوف و هم محبت یکجا جمع شوند، در نتیجه خشیت الهی در دل می‌آید.

خشیت چیست؟

به خاطر داشته باشید که خشیت تنها به معنی ترس و خوفی نیست که از مار و عقرب و شیر و درنده‌ها و دزدان داریم، بلکه خشیت به آن ترس و خوفی می‌گویند که از محبت پیدا می‌شود. لذا چنانچه با الله تعالی محبت کامل داشته باشیم، نخست خشیت او تعالی در دل ما پدید می‌آید، و اما ترس و خوف از پدر و شیخ و استاد به خاطر محبت با آنها در دل ایجاد می‌گردد.

چنانچه بعضی اوقات پدر نه از پسر عصبانی شده و نه او را تنبیه کرده است، اما چرا وقتی که پسر از کنار پدر می‌گذرد، پاهایش می‌لرزد؛ علت این ترس چیست؟

جواب این است: این ترس از محبت به وجود می آید، و همین طور در نتیجه محبت با خداوند خشیت او در دل می آید. لذا اجتماع محبت و خوف را می توان خشیت نامید و تشریح حدیث با این توجیهاات این است که از گفتن سبحان الله و بحمده محبت الهی در دل بوجود می آید و با گفتن سبحان الله العظیم خوف از خدا ایجاد می گردد. با وجود این دو شرط خشیت الهی در دل می آید و حاصل تمام اعمال و اخلاق این است که در دل خشیت الله تعالی پیدا شود.

﴿إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر: ۲۸). «از میان بندگان خدا، تنها

دانشمندان از او می ترسند».

امام بخاری رحمته به این علت این حدیث را در آخر ذکر فرمود که خلاصه تمام علوم خشیه الله است، چنانچه مولانا رومی رحمته می فرماید:

خشیت الله را نشان علم دان

آیت یخشی الله در قرآن بخوان

از علایم بارز علم، وجود (خشیت) در دل است. اگر در دل خشیت پیدا شود پس بدانیم که علم واقعی حاصل شده و اگر در دل وجود خشیت الهی نیامد، پس عدم علم حقیقی است، بلکه فقط الفاظ و نقوش است.

به همین خاطر امام بخاری رحمته می فرماید: اگر می خواهید نتیجه علم را حاصل نمایید، در وجود خویش خشیه الله را بیاورید و خشیه الهی را با به کثرت ورد نمودن این ذکر «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم» می توان حاصل نمود.

خواندن این کلمات در صبح و شام:

در حدیث آمده که هر شخصی هنگام صبح ۱۰۰ مرتبه سبحان الله و بحمده را ورد نماید، خداوند تا شام تمام گناهان وی را معاف می کند، گرچه گناهان وی به اندازه سنگریزه های بیابان باشند و اگر هنگام شام ۱۰۰ مرتبه این ذکر را ورد کند تا صبح همه گناهان وی معاف می شوند. این همه فضایل مخصوص این حدیث است.

خلاصه:

جلسه امروزی ما در دو جمله خلاصه می‌گردد که اگر بر این دو شرط عمل کنیم این مجلس ما مفید ثابت شده است.

۱- حرف اول این که همیشه در فکر باشیم که اعمال وزن می‌شوند و دو شرط اساسی موجب سنگینی اعمال می‌شوند:

(أ) اتباع سنت.

(ب) اخلاص.

امروز این صحبت را با فکر و تدبر همراه خودمان ببریم تا خداوند متعال این دو شرط اساسی را در وجود ما بیاورد، تا که در آخرت اعمال ما قابل وزن گردند.

۲- حرف دوم این که برای این دو جمله، در احادیث فضایل بشمارای بیان شده است. این دو جمله را حرز جان قرار دهیم، و در تمام احوال رفتن، نشستن و ... این جملات را ورد زبان کنیم.

اگر شخصی این اذکار را به این نیت بخواند که خدا به وسیله آن خشیت خود را در دلش بیاورد، ان شاء الله خداوند متعال هم به وسیله آن ذکر او را به مقصدش می‌رساند و هدفش را تکمیل می‌سازد؛ یعنی خشیت ذات خود را به او هدیه می‌کند.

خداوند به من و شما توفیق کلیه خیرها را عنایت بفرماید (آمین).

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

ترجمه این سخنرانی ساعت ۶:۳۰ روز شنبه تاریخ ۱/۲/۱۳۸۰ هـ ش هنگام

برگزاری امتحانات ثلث اول طلاب اهل سنت به پایان رسید.

خداوند این خدمت را از مؤلف، مترجم و مصححین گرامی قبول بفرماید،

(آمین).